

| DATE ISSUED | DATE DUE | DATE ISSUED | DATE DUE |
|---|---|---|---|
| | | | |
| | | | |
| | | | |
| | | | |
| | | | |
| | | | |
| | | | |
| | | | |
| | | | |


Princeton University Library
32101 077105987

Muhammad Bāqir, Majlisī

لا فتی الا علی لا سیف الا ذو الفقار

علی حبه جنة

قسیم النار والجنة

وصی المصطفی حقا

امام الانس والجنة

هو الاول

مخفی

نماناد که این نسخه شریفه [illegible]

[illegible]

[illegible]

از تصنیفات

علامه مجلسی

جناب

مولانا محمد باقر مجلسی

[illegible]

Surur al-Shi'ah

هذا کتاب السیر و شیعیة آقا محمد افضل الفضلاء تقی مجلسی

بسم الله الرحمن الرحیم

لآلی حمد و جواهر ثناء تحفهٔ بارگاه جلال کبریا و حکیمی

الواح ارواح قابلهٔ نوع بشر را که صحیفهٔ غرایب صنع قضا و قدر

بصیقل مواعظ دلپذیر و نکتهای بی نظیر جلا داده و نکش

صفات کمال و چهره گشای نعوت جلال خویش گردانید

و شمعهای حقایق از شمعدان سینهٔ پاک انبیا و ضیاء بر تیره قلوب

صافیه و صدور زاکیهٔ ارباب فطنت و ذکا جاری ساخته انوار

ریاحین محبت و گلهای معرفت دمانید و صلوات زاکیات

بابرکات و تحیات لانهایات و درود نامعدود نثار

روضهٔ مطهرهٔ منور سروری که نوازش نامهٔ شوخوش از

حضرت چون قرآن مبین است و کبوتر نامهٔ اوش از عالم



قدس حضرت جبرئیل امین است اعنی راهنمای زمرهٔ انام و
قافله سالار خاص و عام سید لولاک و شافع روز جزا خاتم انبیا
حبیب حضرت اله محمد مصطفی ص و بر آل اطهار و ذریت امجاد آن حبیب
جبار که محبتشان زاد راه روز جزا و مودت ایشان توشهٔ سفر عقبی
خصوصا امامی که زبان وحی ترجمانش با کلام آسمانی همدم و دیدهٔ بصیرتش
بر رموز مکنون اسرار دقیقه نیز محرم تحقیق است و بازوی قدرتش ید
قاهری و طغرای منشور خلافتش آیهٔ اَنتَ مِنّی بِمَنزِلَةِ هارونَ
مِن موسی اعنی امیر کل امیر منصوب روز غدیر سرخیل اصحاب
شهسوار لافتی وصی و داماد مصطفی امام رهبر رشید و ائمه
اثنا عشر پیشوای متقین سرخیل کاروان اهل یقین جناب
ولایت مآب امیر المؤمنین و یعسوب الدین و قائد الغر المحجلین
اسد الله الغالب علی بن ابیطالب علیه الصلوة و السلام
و بعد بر متوطنان سراچهٔ امکان و خوش نشینان کهنه دیر جهان
مخفی و مستور نماناد که بخاطر فاتر این بندهٔ قاصر محمد تقی
ابن محمد باقر مجلسی حشره الله تعالی مع الائمه فی یوم الآخر رسید

که بعضی از اخبار و آثاریکه نص بر خلافت و امامت آنحضرت دال
مرتب در کتب معتبرهٔ اهل سنت مثل صحیح ابو عبد الله
محمد بن اسمعیل الجعفی البخاری و صحیح ابو الحسن مسلم بن حجاج النیشابوری
و صحیح داود بن سلیمان بن اشعث السجستانی و صحیح ابو سعید محمد بن
عیسی الترمذی و مصابیح حسین بن المسعود الفراء البغوی و مشکوة
البغوی و شیخ محمد بن احمد السمرقندی و مناقب ابوبکر بن موسی
ابن مردویه و مناقب ابو الحسن علی بن المغازلی و کتاب
حلیة الاولیاء فی مناقب الخلفاء که حافظ ابو نعیم تالیف نموده
و فردوس الاخبار شیرویه بن شهرت رو طی و وسیلة المتعبدین
ابو حفص بن عمر بن الخضر و کفایة الطالب ابو عبد الله محمد بن یوسف
شافعی و نزانسابرین محمود بن طالب در خبرینی بوده و بنظر متتبع رسیده
باشد که هر یک را زدودن زنگ شبهه از آئینه خاطر و شکر بیت
و هر یک را افسرده ساختن چشم حقیقت بزم حسینی اساس جمع
نموده رساله ترتیب دهم تا حجت مخالفین رو سیاه و معاندین
خذلهم الله گردد و این مشتمل است بر چهل حدیث و خاتمه و آنچه

الموثق والمعین الحبیب اول من النجاء محمد بن جابر بن عبد الله الانصاری قال قال النبی صلی الله علیه و آله ان الله تعالی لما خلق السموات والارض دعاهن فاجبن فعرض علیهن نبوتی وولایة علی بن ابی طالب علیه السلام فقبلهما ثم خلق الخلق وفوض الینا امر الدین فالسعید من سعد بنا والشقی من شقی بنا ونحن المحللون لحلاله والمحرمون لحرامه

ترجمه حدیث اول که ابو عبد الله محمد بن اسمعیل حنفی البخاری نقل نموده که مرویست از جابر بن عبد الله الانصاری که او روایت کرده از رسول خدا که فرمودند بدرستی که خدای عز و جل چون آفرید آسمانها و زمین را و بخواند ایشان را پس از روی عبودیت اجابت کردند پس عرض کرد بر ایشان نبوت من و ولایت علی بن ابیطالب پس ایشان قبول کردند و بعد از آن فرید سایر مخلوقات را از انس و جن و غیر آن و واگذاشت بمن و علی بن ابیطالب کار دین این حدیث کسی است که سعادت

یافت محبت من علی و بمحبت آنکس ست کہ شقاوت

یافت بعداوت من علی بن ابیطالب علیہ السلام الثانی من

الحلیۃ حدثنا محمد بن عبداللہ عن عبداللہ بن عمر قال قال

رسول اللہ صلی اللہ علیہ وآلہ لعلی بن ابی طالب

علیہ السلام یا علی انا نذیر امتی وانت ھادیھا و

الحسن قائدھا والحسین علیہ السلام سائقھا و

علی بن الحسین جامعھا ومحمد بن علی عارفھا و

جعفر بن محمد کاتبھا وموسی بن جعفر محصیھا

وعلی بن موسی الرضا علیہ السلام معبرھا و

منجیھا وطارد مبغضیھا ومدنی مؤمنیھا

ومحمد بن علی قائمھا وسائقھا وعلی بن محمد سائرھا

وعالمھا والحسن بن علی نادیھا ومعطیھا والقائم الحجۃ

الخلف ساقیھا ومناشدھا ان فی ذلک لآیۃ للمتوسمین

ترجمہ حدیث دویم کہ در حلیۃ الاولیا مذکور ست آنکہ خبر داد

ما را محمد بن عبداللہ بروایت از عبداللہ بن عمر الخطاب کہ

با وجود عناد و نفاق کشف کننده بود رسول خدا و امر علی بن
ابیطالب را که با علی حق رسانندهٔ بهشتم از خدا و نور شمانیدهٔ
ایشانی بسوی خدا و حسن کشنده است ایشان را بجانب حق و حسین
رسانندهٔ همت است بمقصود و علی بن الحسین جمع کنندهٔ اثبات
در قیامت و محمد بن علی شناسانندهٔ ایشانست در قیامت
یکدیگر و جعفر بن محمد نویسندهٔ اسامی ایشانست و موسی بن جعفر
شمارندهٔ محبانست و علی بن موسی گذرانندهٔ ایشانست از صراط
و سایر عقبات و نجات دهندهٔ ایشانست از مواقف خزی و
خطرات و رانندهٔ دشمنان ایشان و نزدیک آرندهٔ مومنانست
از امت و محمد بن علی قایم نمایندهٔ بکار رسازی ایشانست و رسانندهٔ
بمرتبه ها و علی بن محمد پوشانندهٔ عیوب معاصی مومنانست
در عرصه قیامت و و انابت بحال هریک از ایشان و حسن بن علی
ندا کنندهٔ و بخشندهٔ ایشانست آنچه را که خواهند از رحمت
الهی و قایم و حجت خلایق از خلف آب دهندهٔ و شناسانندهٔ
مومنانست بملائکه رحمت الثالث عشر المصابیح عن ابی هریره

قال کنت عند النبی ص اذا قبل علی بن ابی طالب ع فقال
النبی ص اتدری من هذا فقلت علی بن ابی طالب ع فقال
النبی ص هذا البحر الزاخر هذا الشمس الطالع اسخی
من الفرات کفا واوسع من الدنیا قلبا فمن
ابغضه فعلیه لعنة الله ترجمه حدیث سوم که در مصابیح
مذکور است که از ابو هریره نقل کرده اند که گفت بودم نزد
پیغمبر ناگاه آمد علی بن ابیطالب ع پس گفت مرا رسول خدا
که این کیست گفتم علی بن ابیطالب ع پس گفت که این بحریست آیا میدانی
جوشان از راه دانش و منش و آفتابیست تابان باعتبار عصمت
و هدایت بخشنده تر است از فرات از راه کرم و گشاده تر است از
دنیا بدل فیاض پس هر که دشمنی کند با وی پس بر او است لعنت خدا

الحدیث الرابع

الرابع البخاری عن ابن عباس رضی الله عنه قال سمعت
رسول الله صلی الله علیه وآله یقول لما اسری بی الی
السما مررت بملا من الملائکة الا سالونی عن علی بن
ابی طالب حتی ظننت ان اسم علی اشهر فی السما من اسمی

فلما بلغنا السماء الرابعة فنظرت الى ملك الموت فقال لي
يا محمد ما فعل علي قلت يا حبيبي ومن اين تعرف عليا
قال يا محمد ما خلق الله خلقا الا وانا اقبض روحها
خلا لك وعلي بن ابي طالب فان الله عز وجل يقبض ارواحكما
بقدرته فلما صرت تحت العرش اذا انا بعلي بن ابي طالب واقفا مرتبه چهارم
تحت العرش فقلت يا علي سبقتني فقال لي جبرئيل يا محمد
من هذا الذي يكلمك قلت هذا علي بن ابيطالب قال لي يا
محمد ليس هذا علي بن ابيطالب لكنه ملك من ملائكة الرحمن خلقه الله
على صورة علي بن ابيطالب فنحن الملائكة المقربون كلما اشتقنا الى
وجه علي بن ابيطالب زرنا هذا الملك لكرامة علي بن ابيطالب من الله

ترجمه حدیث چهارم از ابن عباس رضوان الله علیه روایت است
که گفت شنیدم از حضرت رسول صلی الله علیه وآله که میفرمود
چون مرا شب بسیر آسمان بردند نگذشتم بهیچ گروهی از ملائکه
مگر آنکه پرسیدندی مرا از احوال علی بن ابیطالب تا آنکه گمان
کردم که نام علی بن ابیطالب در آسمانها مشهورتر است از نام

موج چون رسیدم بآسمان چهارم پس نظر کردم بجانب ملک الموت
پس گفت مرا که یا محمد چه میکند علی بن ابیطالب گفتم باو که ای
دوست من از کجا می شناسی علی بن ابیطالب را گفت یا محمد نیافریده
خلقی را الله تبارک و تعالی مگر آنکه قبض میکنم روح او را من بدست
خود غیر از تو و علی بن ابیطالب را پس تحقیق که خدا تعالی قبض
میکند ارواح شما دو تن را بدست قدرت خود پس چون سیر کردم
آسمانها را و رسیدم من بعلی بن ابیطالب و دیدم او را که ایستاده
در زیر عرش پروردگار من پس گفتم باو که یا علی پیشی گرفتی بر
من پس گفت مرا جبرئیل که یا محمد کیست اینکه بحرف در آورده
ترا و باوی سخن میگوئی گفتم علی بن ابیطالب است گفت مرا
جبرئیل که یا محمد نیست این علی بن ابیطالب ولکن ملکیست از
ملائکه رحمت که آفریده است او را خدا تعالی بصورت علی بن
ابیطالب پس ملائکه مقرب همگی هر گاه مشتاق بروی علی بن
ابیطالب میشویم زیارت میکنیم این ملک را بواسطه کرامت
و بزرگی علی بن ابیطالب حال کو نیکه تسبیح گو باشیم مرا او را بر


افاضل

برافاضل کرام از این کلام معجز نظام رتبه آن نخبه انام و منظور
نظر ملک علام بیش از مرتبه اعتقاد خواص و عام ظاهر میگردد
وتسبیح که از خواص عبادات واجب بالذات است نسبت بجناب
آنحضرت مشعر است بکمال تشبه و تخلق آن سلطان سریر توحید
باخلاق و صفات سبحانی و غایت منظوریت و امتیاز او صلوات
الله علیه از سایر مقربان ربانی الخامس عن التمیمی عن ابی
سعید الخدری قال سمعت رسول الله صلی الله علیه و آله
یقول اذا کان یوم القیمة امر الله ملکین یقعدان علی الصراط
فلا یجوز احد الا ببراءة امیر المؤمنین علی بن ابی طالب ومن
لم یکن له براءة امیر المؤمنین علیه السلام اکبه الله
علی منخریه فی النار و ذلک قوله تعالی وقفوهم
انهم مسئولون قلت فداک ابی و امی یا رسول
الله ما معنی براءة امیر المؤمنین علیه السلام قال مکتوب کتاب فیه ع
لا اله الا الله محمد رسول الله علی ولی الله امیر
المؤمنین علی بن ابی طالب علیه السلام وصی رسول الله

ترجمهٔ حدیث پنجم آنکه روایت است از ابی سعید خدری گفت شنیدم از رسول خدا که میفرمود وقتیکه روز قیامت آشکار شود امر کند پروردگار دو فرشته را که بنشینند بر پل صراط پس نگذرد احدی از خلق خدا از صراط مگر آنکه داشته باشد از امیر المؤمنین برائت یعنی گذشتن از صراط و هر که نباشد او را برات امیر المؤمنین علی بن ابیطالب سرنگون میاندازند او را بر دو پره بینی در آتش دوزخ و فرمودند اینست مراد از قول الله تعالی عزوجل وقفوهم انهم مسئولون یعنی بدارید ایشان را که بتحقیق ایشان مسئول کرده شده کانند یعنی از ایشان محبت پیغمبر و امیر المؤمنین علیه و اولاد او صلوات الله علیهم اجمعین را سؤال میباید نمود که دوستی ایشان برات جواز از راه است پس ابو سعید گوید که من گفتم پدر و مادرم فدای تو باد یا رسول الله چیست مراد از برات امیر المؤمنین علیه السلام فرمود که آن صحیفه ایست که در آن رقم شده است لا اله الا الله محمد رسول الله علی ولی الله امیر المؤمنین علی بن ابیطالب وصی رسول الله الناس عن الجهاد عن الجهاد



مالك

محمد امین

مالك قال كنت خادما لرسول الله صلى الله عليه وآله
فبينا انا اوضئه قال يدخل داخل هو امير المؤمنين وسيد
المسلمين وخير الوصيين واولى الناس بالنبيين وامير
الغر المحجلين فقلت اللهم اجعله رجلا من الانصار حتى
قرع الباب فاذا هو علي بن ابي طالب عليه السلام فلما
دخل عرق وجه النبي صلى الله عليه وآله عرقا شديدا
فمسح النبي العرق من وجهه بوجه علي بن ابي طالب
فقال علي عليه السلام يا رسول الله نزل فيّ شيء قال انت
مني تؤدي عني ديني وتبرئ ذمتي وتبلغ
قال بلى ولكن تعلم الناس من بعدي من
تاويل القرآن ما لم يعلموا وتخبرهم بذلك

رسالاتي فقال عليه السلام يا رسول الله صلى الله عليه وآله او تبلغ عني

ترجمه حديث ششم روايت است از انس بن مالك كه گفت من خادم
رسول خدا بودم پس در اثناى آنكه آب وضو ميدادم آن
حضرت را در آن وقت فرمود كه داخل ميشود در اين مقام داخل شونده
كه او امير مومنانست وسرور مسلمانان وبهترين وصيان وسزاوارترين



خلائق

خلایق مبلاوم و مقامات انبیاء پس دعا کردم که بار خدایا چنان
کن که این شخص مردی از انصار باشد تا آنکه وقتی ابا مبعوث نمودند
پس دیدم که آن شخص علی بن ابیطالب بست چون داخل شد عرق
کرده بود و روی مبارک حضرت رسول آن حضرت آن عرق را از
روی مبارک خود پاک کرده بروی مبارک علی فشاندپس عرض
نمود علی بن ابیطالب که ای رسول خدا آیا چیزی در حق من نازل گشته
آنحضرت فرمودند که تو از منی ادا میکنی چیزرا از جانب من
و بر آمیسازی ذمت مرا از حقوق و ابلاغ میکنی و میرسانی بمردم
رسالتهای مرا پس گفت علی عم که یا رسول الله آیا ابلاغ نکردی
و نرسانیدی رسالت را بمردم خوب فرمودند که بلی تبلیغ رسالت
خود نمودم بمردمان گفته ام آنچه را که باید گفت ولیکن تو تعلیم
میکنی مردمانرا بعد از من از تاویل قرآن مجید آنچه که ندانسته
و نفهمیده اند ایشان در عهد من اخبار میکنی ایشانرا از آن تا
آنچه درباب براءة ذمت فرموده اند در کتب اخبار و روایات
بحیثیت لا یعد و لا یحصی وارد گشته و باتفاق فریقین مخصص


یا امیرالمؤمنین

جنت و ذو کار روشن و مبرهن است که دار خلود جنت صاحب
خانه ارباب خاندان مرتضوی و اولاد امجاد معصومین آنحضرت
صلوات الله علیهم اجمعین است پس هر کرا چاشنی محبت آن
حضرت بیشتر مرتبه او در آن محفل عالی بالاتر و هر قدر که
دل را فیض ولای او شامل تر کمال فیض رحمت و قبول بارگاه
عزت را قابل تر است و آنچه از نعمای الهی محبان و شیعیان
آن ولی والاجاه در جنت موعود گشته این بشارت جرعه
از آن معراج و قطره از آن بحر مواج است بنا بر این جمعی که
محبت آن ولی بحق در دل و جان نداشته باشد و در مقام
عناد و عداوت باشند یقین حاصل است که ایشان مطلقا
در آن مجلس مقام و در سلک مجلس نشینان این محفل انتظام
نخواهند داشت و هر کس را که در این محفل راه و مقام نباشد
کافر و از اهل نار خواهد بود الثامن من التهذیب عن
عبد الله بن عمر قال سألنا رسول الله صلی الله علیه و
آله عن علی بن ابی طالب ع و علی اولاده التحیة و الثناء

الحدیث الثامن

فغضب النبي ﷺ فقال ما بال اقوام تذكرون من له
منزلة كمنزلتي ومقامه كمقامي الا النبوة الا ومن
احب عليا فقد احبني ومن احبني رضي الله عنه
ومن رضي الله عنه كافاه بالجنة الا ومن احب
عليا استغفرت له الملئكة وفتحت له ابواب الجنة
يدخل من اي باب شاء بغير حساب الا ومن احب عليا
اعطاه الله كتابه بيمينه وحاسبه حساب الانبياء الا ومن
احب عليا لا يخرج من الدنيا حتى يشرب من الكوثر وياكل
من ثمرة شجرة طوبى ويرى مكانه من الجنة الا ومن احب
عليا يهون الله عليه سكرات الموت وجعل قبره روضة
من رياض الجنة الا ومن احب عليا اعطاه الله في الجنة
بكل عرق في بدنه حورا وشفعه في ثمانين من اهل بيته
وبكل شعرة في بدنه مدينة في الجنة الا ومن عرف عليا
واحبه بعث الله اليه ملك الموت كما بعث الى الانبياء
ورفع منه اهوال منكر ونكير ونور قبره وفسح مسيرة سبعين

غانما وبيض وجهه يوم القيمة الا ومن احب عليا اظله الله
في ظل العرش مع الصديقين والشهداء والصالحين وامنه
من الفزع الاكبر واهوال الصاخة الا ومن احب عليا
تقبل الله منه حسناته وتجاوز عن سيئاته وكان
في الجنة رفيق حمزة سيد الشهداء الا ومن احب عليا
اثبت الله الحكمة في قلبه واجرى على لسانه الصواب
وفتح الله عليه ابواب الرحمة الا ومن احب عليا سمي
اسير الله في الارض و باهي الله به ملئكته وحملة عرشه الا ومن
احب عليا ناداه ملك من تحت العرش ان يا عبد الله
استأنف العمل فقد غفر الله لك الذنوب كلها الا ومن
احب عليا جاء يوم القيمة ووجهه كالقمر ليلة البدر
الا ومن احب عليا وضع الله على راسه تاج الكرامة
والبسه حلة العز الا ومن احب عليا مر على الصراط
كالبرق الخاطف ومن لم يرصعوبة المرور الا ومن احب عليا
كتب الله له براءة من النار وبراءة من النفاق وجوازا على

الصراط طعاما آمنا من العذاب الا ومن احب عليا لا ينشر له
ديوان ولا ينصب له ميزان وقيل له ادخل الجنة بغير حساب
الا ومن احب عليا امن من الحساب والميزان والصراط ومن
مات على حب آل محمد صافحته الملائكة وزارته الانبياء
وقضى الله له كل حاجة كانت له عند الله الا ومن مات على
بغض آل محمد مات كافرا الا ومن مات على حب آل محمد مات [illegible]

ترجمه حدیث ششم آنکه روایت است از عبد الله بن عمر که گفت
سؤال کردیم از حضرت رسول خدا ص از قدر و مرتبه علی بن
ابیطالب و اولاد طیبین او علیهم التحیة والثنا پس از
روی غضب آنحضرت فرمودند که چیست حال قومی چند یعنی
چه نسبت دارد جمعی که قدرت ادراک مرتبه او ندارند و می
پرسند از احوال کسیکه مر او را منزلتی است نزد الله تعالی مانند
منزلت من و مقامی است مانند مقام من مگر پیغمبری که او پیغمبر
نیست والا در سایر امور مانند من است دریابید و آگاه باشید
گروهی خلایق هر که علی ابن ابیطالب را دوست دارد پس تحقیق که

دوست داشته مرا و هر که دوست دارد مرا راضی شود خدا تعالی
از وی و هر که خدا تعالی از وی راضی باشد مکافات میدهد او را
به بهشت در یابید که هر که دوست دارد علی را طلب آمرزش کنند
از برای او فرشتگان رحمت و گشوده شود بر روی او درهای بهشت
در آید از هر دری که خواهد بی مشقت حساب در یابید که هر که محبت
کند دوستی علی را بخشد خدا تعالی نامه اعمال او را از جانب راست
و آسان سازد حساب او را مانند حساب پیغمبران در یابید که
هر که دوست دارد علی را بیرون نرود از دنیا تا آنکه بیاشامد آب
کوثر و بخورد از میوه درخت طوبی و ببیند منزل خود را در بهشت
در یابید که هر که دوست دارد علی بن ابیطالب را آسان کند
بر او خدا تعالی سختی مرگ را و بگرداند قبر او را باغی از باغهای
بهشت در یابید که هر که دوست دارد علی را بخشد خدا تعالی
او را در بهشت بعدد هر رگی که در بدن دارد حوری و رخصت
شفاعت دهد وی را در حق هشتاد تن از اهلبیت وی و بخشد مر او را
بعدد هر موی که در تن وی بود شهری در بهشت در یابید که هر که شناسد



مرتبه

هر که مرتبه علی ابن ابیطالب را و دوستی وی را اختیار کند برانگیزد خدایتعالی در حین اجل ملک الموت را بجانب او چنانکه برانگیزد بجانب پیغمبران و دفع کند از هولهای منکر و نکیر و خوفهای ایشان از او
و روشن سازد قبر او را و وسیع گرداند قبر او را بقدر مسافت هفتاد سال راه و سفید گرداند روی او را روز قیامت آگاه باشید
هر دوست علی را سایه حمایت گیرد خدایتعالی بر وی در زیر عرش خودش با صدیقان و شهدا و صالحین و ایمن گرداند وی را از هیبت
و ترس بزرگ و دفع کند از وی هیبتهای قیامت را آگاه باشید
هر که دوستی علی ع را قبول کند خدایتعالی عملهای نیک وی را
در گذرد و از عملهای بد وی باشد در بهشت همراه و مصاحب حمزه
سید الشهدا آگاه باشید که هر که دوست بدارد علی را استقیم
و محکم گرداند خدایتعالی در دل و حکمت را و جاری سازد در زبان او
سخن خیر را و بگشاید بر روی او درهای رحمت را آگاه باشید که هر که
دوست دارد علی را نامیده شود برگزیده خدا در زمین و مباهات
کند خدایتعالی آن بنده با ملائکه و حاملان عرش خود در باب چه

واگاه باشید که هرکه دوست دارد علی را ندا دهد او را فرشته
از زیر عرش خدا که ای بنده خدا از سر نو عمل خود در تحقیق
الله تعالی جل شانه آمرزید جمیع گناهان ترا آگاه باشید که هرکه
دوست دارد علی را پاید روز قیامت و روی درخشنده باشد
مانند ماه شب چهارده آگاه باشید هرکه دوست دارد علی را
بگذارد خدا تعالی بر سر وی تاج کرامت را و بپوشاند او را خلعت
عزت آگاه باشید که هرکه دوست دارد علی را بگذرد از صراط
همچون برق جهنده و نه بیند دشواری گذشتن از صراط را آگاه
باشید که هرکه دوست دارد علی را بنویسد از برای وی جناب
اقدس الهی برات استخلاص از آتش جهنم و همچنین بنویسد از
برای وی جناب اقدس الهی بیزاری از نفاق را و بنویسد نامه از
برای وی جواز برای گذشتن از صراط و بنویسد از برای او نامه
امان را از عذاب آگاه باشید که هرکه دوست دارد علی را
آشکار کرده نشود برای او دیوانی و برپای داشته نشود برای
وی میزانی و گفته شود مر او را که در آی در بهشت بی حساب آگاه

باشید هر که دوست دارد علی را ایمن گردد از حساب و میزان
و صراط و آگاه باشید هر که دوست دارد علی را و بمیرد بر دوستی
آل محمد ع مصافحه کنند با وی فرشتگان و زیارت کنند او را
ارواح انبیاء از برای او بر حاجتی که داشته باشد در نزد خدا تعالی
آگاه باشید هر که بمیرد بر دشمنی آل محمد ع بمیرد کافر آگاه باشید
هر که بمیرد بر دوستی آل محمد ع بمیرد بر سنت ایمان و من ضامن
و متعهدم از برای او که برسانم او را به بهشت بر خاطر عاطر
اصحاب فتوت و ذکا و ارباب ایمان و ولا از منطوق این حدیث
شریف کالشمس فی وسط السماء روشن و هویداست که وسیله امید
واری بنعم نعیم و واسطه رستگاری از الیم جحیم و باعث خلاص از
عقبات و عقاب و موقف صراط و حساب و اقرار بربوبیت رب
العالمین و نبوت خاتم النبیین منحصر است در محبت و ولایت
آن سلطان و ولا شأن بدون معرفت و محبت و اعتراف
با مامت آنجناب ایمان و اسلام محقق نخواهد شد و اقرار
بربوبیت رب العالمین بدون اقرار به علی ابن ابیطالب معقول


درگاه



درگاه پادشاهی ثبت التاسع من البخاری روی عن
قنبر مولی امیر المؤمنین ع انه قال لعهد امیر المؤمنین ع
علی شاطی الفرات فنزع قمیصه ودخل الماء فجاءت
موجة فاخذت القمیص فخرج امیر المؤمنین ع فلم یجد
القمیص فاغتم لذلک غما شدیدا فاذا بهاتف یهتف
یا ابا الحسن انظر عن یمینک وخذ ما تری فاذا
مندیل عن یمینه وفیه قمیص مطوی فاخذه لیلبسه
فسقط من جیبه رقعة فیها مکتوب بسم الله الرحمن
الرحیم هدیة من الله العزیز الحکیم الی علی بن ابی طالب
هذا قمیص هرون بن عمران کذلک واورثناها قوما آخرین
ترجمه حدیث نهم آنکه روایت شده از سلطان الخدام وخادم
السلطان قنبر علیه التحیة والرضوان غلام امیر المؤمنین
علی بن ابیطالب ع که آنحضرت صلوات الله علیه الرحمن آمد بر
کنار فرات پس پیراهن خود را از بدن مبارک بیرون آورد و
داخل شد آب فرات پس آمد موجه و برگرفت پیراهن آنحضرت را

بعد از آنکه از آب بیرون آمد و پیراهن مبارک را نیافت پس
غمگین شد و غمناکی شدید که پیراهن نیافت که ناگاه هاتفی
آواز داد که یا ابا الحسن نظر کن از جانب راست خود بنگر آنچه می
بینی پس نگاه از جانب راست آنحضرت مندیل پیدا شد و در
مندیل پیراهن پیچیده بود پس گرفت آنرا امیر المؤمنین که پوشید
آنگاه افتاد از جیب آن پیراهن رقعه و بر آنجا نوشته بود که
بسم الله الرحمن الرحیم هدیه من الله العزیز الحکیم الی علی بن
ابی طالب این پیراهن هرون بن عمران است همچنین میراث
میرسانیم ما اینها را بقوم دیگر یا بقومی که در آخر الزمانند

الحدیث العاشر

العاشر من البخاری عن ابن عباس قال سمعت عن
رسول الله یقول معاشر الناس اعلموا ان لله تعالی بابا
من دخله امن من النار ومن الفزع الاکبر فقام الیه
ابو سعید الخدری فقال یا رسول الله اهدنا الی
هذا الباب حتی نعرفه قال هو علی بن ابی طالب سید
الوصیین وامیر المؤمنین واخو رسول رب العالمین

هذا قمیص هرون بن عمران کذلک اورثناها قوما آخرین

وخلیفه

وخليفة الله على الناس اجمعين معاشر الناس من
احب ان يتمسك بالعروة الوثقى التي لا انفصام لها
فليتمسك بولاية علي بن ابي طالب فان ولايته ولايتي وطاعته
طاعتي معاشر الناس من احب ان يعرف الحجة بعدي فليعرف
علي بن ابي طالب بعدي والائمة من ذريتي فانهم خزان علمي
فقام جابر بن عبد الله الانصاري فقال يا رسول الله وما
عدة الائمة فقال يا جابر سالتني رحمك الله عن الاسلام
باجمعه عدتهم عدة الشهور وهو عند الله اثنى عشر شهرا في كتاب
الله يوم خلق السموات والارض وعدتهم عدة العيون التي انفجرت
لموسى بن عمران حين ضرب بعصاه الحجر فانفجرت منه اثنتى عشرة
وعدتهم نقباء بني اسرائيل قال الله تعالى ولقد اخذ الله ميثاق بني

اسرائيل وبعثنا منهم اثني عشر نقيبا فالائمة يا جابر اثنى عشر اولهم علي بن ابي طالب و آخرهم المهدي

ترجمه حديث دهم مرويست از جابر بن عبد الله الانصاري
که گفت شنیدم از رسول خدا که میگفت ای جماعت مردمان
بدانید که تحقیق که مر خدای تعالی را دری از رحمت است که هر که
در آید از ان در ایمن شود از آتش دوزخ و از زاری و جزع

که بزرگترین زاریهاست یعنی از هول و حسرت قیامت
پس برخاست بسوی آنحضرت ابو سعید الخدری آنگه گفت که
ای رسول خدا راه نما ما را بجانب آن در رحمت که بشناسیم او را
فرمود که آن علی بن ابیطالب است سرور اوصیاء و بهترین مؤمنان
و برادر رسول خدای عالمیان و خلیفه خدا بر جمیع مردمان ای جماعت
مردمان هر که دوست دارد که چنگ در زند بدامان کسی
که قطع و شکستن و جدا شدن نباشد آنرا پس باید که چنگ در
زند بمحبت و ولایت علی بن ابیطالب پس بدرستی که محبت
او محبت منست و فرمانبرداری او فرمانبرداری منست ای گروه
مردمان هر که دوست دارد که بشناسد حجت خدای تعالی را
بعد از من پس باید که بشناسد علی بن ابیطالب و ائمه معصومین را
از ذریه من زیرا که ایشانند خازنان علم من پس برخاست جابر بن
عبد الله انصاری و گفت یا رسول الله چند است عدد آن
امامان علیهم السلام پس آنحضرت فرمودند که ای جابر رسیدی
مرا از اسلام بتمام و کمال آن رحمت کناد الله تعالی را بدان



که عدد

که عدد ائمه دین عدد ماهها است واین ماهها نزد الله تعالی
دوازده است که مکتوب است آن در کتاب خدای عز و جل
روز آسمانها و زمین و کتاب عبارت از لوح محفوظ است
و عدد ایشان مساوی چشمهائیست که روان شده از برای
موسی بن عمران وقتی که زد به سنگ عصای خود ایس روان شد
از سنگ دوازده چشمه و عدد ایشان مساوی عدد نقبای بنی
اسرائیلست و آن دوازده است چنانکه میفرماید و لقد اخذ الله میثاق
بنی اسرائیل و بعثنا منهم اثنی عشر نقیبا یعنی که هر آینه
تحقیق که فرا گرفت و قبول نمود خدا تعالی عهد و پیمان
بنی اسرائیل را و بر انگیخت از جمله ایشان دوازده نقیب یعنی گواه
و حجت برای ایشان و در عهده این نقبا گذاشت کار بنی اسرائیل را
در دنیا و عقبی پس چاره بد انکه ائمه دین دوازده اند و کار امت پیغمبر
بعد از رسول خدا با ایشان واگذاشته شده مانند نقبا بنی اسرائیل
و بدانکه اول امامان علی بن ابیطالب ع و آخر ایشان قائم آل محمد است
صلوات الله علیهم اجمعین مادامت السموات و قامت الارضین

الحدیث الحادی عشر

الحادی عشر من السمرقندی عن عبد الله بن مسعود قال قال
رسول الله صلی الله علیه وآله لما ان خلق الله آدم ونفخ
فیه من روحه عطس آدم فقال الحمد لله فاوحی الله تعالی
حمدنی عبدی وعزتی وجلالی لولا عبدان ارید ان اخلقهما
فی دار الدنیا ما خلقتک قال الهی فیکونان منی قال نعم یا آدم
ارفع راسک وانظر فرفع راسه فاذا مکتوب علی العرش لا اله
الا الله محمد نبی الرحمة وعلی ولی الله مقیم الحجة من عرف حق
علی زکی وطاب ومن انکر حقه لعن وخاب فاقسمت بعزتی
ان ادخل الجنة من اطاعه وان عصانی واقسمت
ان ادخل النار من عصاه وان اطاعنی

ترجمه حدیث یازدهم آنکه نقل روایت شده از عبد الله مسعود
از رسول خدا ص که آنحضرت فرمود وقتیکه خلق کرد الله تعالی
آدم صفی علی نبینا وعلیه السلام را ودمیده شد روح در جسد
آدم بامر خدا عطسه زد آدم پس گفت الحمد لله آنگه وحی کرد
الله تعالی که ای بنده من سپاس گفتی بحق عزت وجلال من


که اگر

کر اگر منظور نبودی در بندگان که اراده کرده ام من آفرینش ایشانرا
در سرای دنیا نمی آفریدم ترا آدم علیه السلام گفت بار الها
ایشان از نسل منند حضرت عزت فرمود بلی ای آدم بردار سر
خود را و نظر بالا کن انگاه آدم سر بالا نمود دید که مکتوبست
بر عرش مجید که لا اله الا الله محمد نبی الله علی ولی الله و نعیم الجنة
هر که بشناسد حق علی را پاک طینت و خوش وقت گردد در هر دو
سرا و هر که انکار کند حق علی را ملعون و ناامید از رحمت گردد
سوگند خوردم بحق جلال و عزت خودم که داخل بهشت سازم
هر کس که فرمان علی برد اگر چه نافرمانی کند مرا و سوگند خوردم
بحق عزت خودم که داخل کنم در آتش جهنم هر کس که نافرمانی کند
علی را اگر چه اطاعت کند مرا پس بنابرین برخی از شقاوت
پیشگان بیدین که مخالفت آن سلطان سپهر و انکار حق آن پیشوای
شرع و دین و قدوهٔ خاطر حد پیشه و مکنون خاطر حقد اندیشه
نموده در مقام ایذاء و آزار آن مقتدای انام و اولاد طیبین او
که مولای هر خاص و عام اند در آیند بیقین که از نعم نعیم محروم در



زاویهٔ

حدیث ثانی عشر

زاویہا و نعیم مقیم خواہند بود الحدیث الثانی عشر

عن عبد اللہ بن عمر قال رسول اللہ من اراد

التوکل علی اللہ فلیحب اہل بیتی ومن اراد ان ینجو من عذاب

القبر فلیحب اہل بیتی ومن اراد الحکمۃ فلیحب اہل

بیتی ومن اراد دخول الجنۃ بغیر حساب فلیحب اہل

بیتی فو اللہ ما احبہم احد الا ربح الدنیا والاخرۃ

ترجمہ حدیث دوازدہم انکہ منقولست از پسر عمر بن الخطاب

کہ با وجود نفاق وعدم اتفاق روایت نمودہ از حضرت رسول

کہ فرمود ہر کہ خواہد مرتبہ توکل بخدا تعالیٰ را پس باید کہ دوست

دارد اہلبیت مرا و ہر کہ خواہد رستگاری از عذاب قبر پس باید کہ

دوست دارد اہلبیت مرا و ہر کہ خواہد شرف معرفت و حکمت را

پس باید کہ دوست دارد اہلبیت مرا و ہر کہ خواہد بہشت بے حساب

در آید پس باید کہ دوست دارد اہلبیت مرا پس بحق خداوند

تبارک وتعالیٰ کہ دوست ندارد ہیچکس ایشانرا مگر انکہ سود برد

در دنیا و آخرت بطمع وقیقہ یابان ارباب بوشش مخفی نماند



کہ از

که از این کلام شامل وضوح کامل یافت که شد محبت اهلبیت
سید المرسلین ص یعنی سلطان ولایت پناه و سیدة نساء العالمین
و اولاد امجاد معصومین صلوات الله علیهم اجمعین بودی از ثمرات
فطرت در چارسوی کشور دنیا و آخرت ممکن نیست و ارتفاع
بکنگرهٔ ایوان توکل که از مراتب سنیهٔ انبیاء و رسل الله
بدون توسل و اعتصام بسر رشتهٔ محبت این سلسله موصله
بحقیقت متحمل نه و همچنین باستخلاص از عذاب قبر و عقوبت آخرت
و رستگاری از مواقف خزی و شرمساری بی مدد شفاعت
و عون محبت ایشان بیرون از وسع حال اهل عصیان بلکه از جمله
خیالات محالست پس زیانکاران که سرمایهٔ حیات بغفلت و ب
پرستی که آن عداوت ائمهٔ اطهار است در بازار رشد کامل چنین
قیمت حطب جهنم و شرب عذاب الیم سازد و خود را بدست خود
در آتش خذلان و نار نیران اندازد **الحدیث الثالث عشر**
عَنْ سَعْدِ بْنِ مُسَیَّب قال قال رسول الله صلی الله علیه و آله
اللهم اجعل لی وزیراً من اهل السماء و وزیراً من اهل

الارض فاوحی الله تعالی انی قد جعلت وزیرک
من اهل السما جبرئیل علیه السلام و وزیرک فی
اهل الارض علی بن ابی طالب علیه السلام
ترجمه حدیث سیزدهم آنکه روایت است از سعد بن مسیب که گفت
رسول الله که بار خدایا بگردان یعنی مقرر ساز برای من وزیری
از اهل آسمان و وزیری از اهل زمین پس وحی فرستاد
الله تعالی بسوی او که بدرستی که من تحقیق گردانیدم وزیر ترا از
اهل آسمان و وزیر ترا از اهل زمین علی بن ابی طالب را مستخبر جبرئیل نام
بنهایا اسرار حقیقت و مستقصی آثار اهل طریقت ظاهر و باهر است
که هر چند بلا شبهه غرض رسول الله در هنگام دعا کردن و مطالبه
وزیر از اهل زمین برای امت بخصوصه بوده اما در نیت که
غرض و دعا بر وجه عموم مبنی این پنج وجه باشد اول آنکه بنا بر
اظهار تعلق علم و اراده آنحضرت باختصاص باطنی بتخصیص وی کمال
را اعتماد علم واجب الوجود جل جلاله بمراد وی دوم تنبیه عدم
استحقاق احدی از جنس بشر از این منصب والاشان

جل المکان خیرآن ولی والا رتبه علیه الصلوة والتحیته تسلیم
بواسطه تسکین خاطر حساد و دررباب فساد و اقامت شهادت
و حجت بر مخالفان و اصحاب عناد چهارم مراعات کمال ادب
با وجود غایت تقرب و اعزاز در بارگاه کبریا پنجم منفعت
اطمینان و اعتماد بر کمال توجه و نهایت عاطفت حضرت
عزت جل جلاله نسبت بآنحضرت و علم باختصاص وی نزد
واجب الوجود بدین مرتبه جلیله فریده منظور نبودی بمقتضای
کمال محبت آنجناب و که در دعا ادعای تخصیص نماید چنانکه ندیم
بارگاه قرب و اعزاز و مقتبس فخر نبوت و اعجاز موسی کلیم
علی نبینا و علیه السلام دعا کرد و اجعل لی وزیرا من اهلی هرون
اخی اشدد به ازری و اشرکه فی امری کی نسبحک کثیرا و نذکرک
کثیرا پس معلوم شد که آنحضرت را غرض اصلی از این دعا تعیین
آنشاه کشور یقین از جمله اهل زمین مدعا بوده و بجهة حکم
و مصالح حقه ادعای تخصیص نموده و بعد از تعیین این
دو وزیر کمال مرتبه آنشاه عرش سریر نهایت وضوح یافته

ونور کوکبہ آن دو وزیر چون آفتاب و بدر منیر از پرتو این اختصاص
بر مشرق و مغرب تافتہ الحدیث الرابع عشر یحیی ابو سعید الخدری
انہ قال حدثنا قنبر احمد قال حدثنا احمد بن نوفل عن بلال بن حمامۃ قال
طلع علینا النبی صلعم ذات یوم و وجہہ مشرق کدایرۃ القمر فقام
عبد الرحمن بن عوف فقال یا رسول اللہ ما ھذا النور فقال
بشارۃ اتتنی من ربی فی اخی و ابن عمی و ابنتی و ان اللہ زوج
علیا بفاطمۃ و امر رضوان خازن الجنان فہز شجرۃ طوبی
فحملت رقاعا بعدد محبی اھل بیتی و انشأ من تحتہا ملٰئکۃ
من نور و دفع الی کل ملک رقاعا فاذا استوت القیامۃ
باھلہا نادت الملٰئکۃ فی الخلق فلا یلقی محبا لنا اھل
البیت الا دفعت الیہ صکا فیہ فکاکہ من النار
باخی و ابن عمی و ابنتی فکاک رجال و نساء من امتی من النار
ترجمہ حدیث چہاردہم آنکہ روایت نمود ابو سعید خدری کہ گفت
خبر داد مرا قنبر بن احمد و او گفت کہ خبر داد مرا احمد بن نوفل
و او روایت نمود از بلال بن حمامہ کہ گفت ظاہر شد بر ما حضرت

حسن غریب

حضرت رسول صلی الله علیه وآله روی مبارک وی فروزند
ودرخشنده مانند دائره ماه تمام پس خاست عبدالرحمن بن
عوف انگه گفت که ای رسول خدا چه نوراست اینکه مشاهده
میشود پس آنحضرت صلی الله علیه وآله در جواب فرمودند
که بشارت عظیمی آمده از نزد من از پروردگار من درحق برادر و پسر
عم من و درحق دختر من بتحقیق که خداتعالی عقد تزویج
بست علی بن ابیطالب را بفاطمه و فرمود که رضوان را که
خازن بهشت است که بحرکت درآورد درخت طوبی را
پس برآورد طوبی رقعها یعنی نامهای متحمل بعدد محبان
اهلبیت من و خلق کرد خداتعالی از زیر آن درخت فرشتگان
و داد بهریک رقعه پس هرگاه که قائم شود قیامت ندا کنند
آن ملائکه باهل قیامت درمیان خلایق محشر و ملاقات کنند
ایشان محبی از محبان ما را الا ملائکه بدهند باو رقعه که
در آن رقعه مرقوم است رستگاری وجدائی آن شخص از آتش جهنم
بوسیله محبت برادر من و پسر عم من و بوسیله دختر من

خلاصی همه مردمان و زنان امت منست از آتش دوزخ بر شیعیان
سعادت آل ازین و رجال کمال ظهور دارد که جمعی تبه کاران
عاصی و خطا پیشه کان چاغی کردست از توسل ایشان و اهلبیت
علیهم السلم سرور بر دو اشته در مقام عداوت ایشان باشند
ظاهرست که از فیضان رحمت و شمول مغفرت الهی محروم
و در دار البوار بعذاب الیم نار جهنم همیشه خواهند بود الحدیث

حدیث پانزدهم

الخامس عشر عن ایوب السجستانی قال کنت اطوف فا
ستقبلنی فی الطواف انس بن مالک فقال لی الا ابشرک بشیء
تفرح به فقلت له بلی فقال کنت واقفا بین یدی النبی
فی مسجد المدینة وهو قاعد فی الروضة فقال لی اسرع
وائتنی بعلی بن ابی طالب فذهبت فاذا علی و فاطمه
علیهما السلم فقلت له ان النبی یدعوک فجاء علی علیه السلم
فقال النبی یا علی سلم علی جبرئیل فقال علی السلم علیک
یا جبرئیل فرد علیه جبرئیل فقال النبی صلی الله
علیه و آله هذا جبرئیل یقول ان الله تعالی یقرء علیک

السلام و یقول طوبی لک و لشیعتک و محبیک
والویل ثم لمبغضیک اذا کان یوم القیمة نادی
مناد من بطنان العرش ابن محمد و علی فیخرج بکما
السماء حتی توقفان بین یدی الله فیقول لنبیه
اورد علیا الحوض و هذا الکاس اعطه حتی یسقی
محبیه و شیعته ولا یسقی احد من مبغضیه و یامر
لمحبیه ان یحاسبوا حسابا یسیرا و یامرهم الی الجنة
ترجمه حدیث پانزدهم اگر ابو نعیم حافظ در کتاب حلیة الاولیاء
که در مناقب خلفاء نوشته نقل نموده از ایوب سجستانی که گفت من
طواف میکردم پس آمد بسوی من در آن طواف انس بن مالک
انگه گفت بمن که آیا میخواهی که بشارت دهم ترا بخیری که شاد مان
شوی با آن خبر پس گفتم او را که آری میخواهم خبر ده مرا بآن
بشارت انگه گفت که من ایستاده بودم نزدیک پیغمبر در مسجد
مدینه و آنحضرت در روضه نشسته بود یعنی میان محراب
و منبر بود پس گفت که بشتاب و بیا بسوی من علی بن ابیطالب


بعد از

بعد از آن رفتیم من با او و رسیدم بعلی بن ابیطالب ع و فاطمه زهرا
علیهما السلام آنگه عرض کردم که یا علی پیغمبر ص امر نمود به پیش آمدن
حضرت نزد رسول خدا پس گفت رسول خدا که ای علی سلام کن
بر جبرئیل آنگه گفت علی بن ابیطالب ع که السلام علیک یا جبرئیل پس رد
کرد یا و جبرئیل جواب سلام را آنگه پیغمبر گفت فرمود که یا علی این
جبرئیل است و میگوید بدرستیکه خدا تعالی ترا سلام میرساند و میگوید
خوش حال تو و شیعیان و محبان تو و وای بر حال دشمنان تو و
وقتی که روز قیامت در آیند دهند منادی از زیر عرش که کجایند
محمد و علی پس ح دهند شما را در آسمان هفتم آنگه بایستند نزد الله تعالی
پس بگوید خدا تعالی مر نبی خود را که بیاور مر علی ع را در کنار حوض کوثر
و بده این جام را با و تا سیراب کند محبان و شیعیان خود را و آب
ندهد هیچیک از دشمنان خود را و بفرماید برای محبان خود که حساب
کنند موکلان ایشان از احساب گناهان نفرمایند که در آیند بهشت
بر سالکان طریق تحقیق و تشنگان رحیق توفیق روشن و منجلی است
که این نص جلی چون نصوص سابقه بشارتی از سابقه لطف ازلی

واشارتی بشمول فیض رحمت لم یزلیت مر زمرهٔ محبان
وشیعیان علی بن ابیطالب را وشک نیست که چون جام
جهان تمام آفرینش در کف اهتمام آن امام همام و مظهر
لطف وقهر ملک علام هست وچشمهٔ کوثر که عین رحمت و
فیض عاطفت فیاض انام هست در ساغر انعام والتفات
آن سرچشمهٔ کرامت واکرام هست بی شبهه لب تشنگان بیدای
محبت وخاکبوس آستان دولت نشان او ترا از آن
فیض تمام هست وللارض من کاس الکرام نصیب وشبهه نیست
که گمگشتگان وادی ضلالت را که دست از ذیل عاطفت آنحضرت
بر داشته در مقام عداوت وجهالت بر آمده باشند از ین لطف
بی اندازه محروم و در جحیم الیم منکوب ومخذول خواهند بود



الحدیث الحادی عشر عن انس بن مالک قال بعثنی النبی صلی الله علیه
وآله فی المنام فقال لی یا انس ما حملک علی ان لا تؤدی ما
سمعت منی فی علی بن ابی طالب علیه السلام حتی ادرکتک العقوبة
ولولا استغفار علی بن ابی طالب علیه السلام لک ما شممت

داخل الجنة ولکن اخبرنی ببقیة عمرک ان علیاً وذریته
ومحبیهم السابقون الاولون الی الجنة وهم جیران
اولیاء الله حمزة وجعفر والحسن والحسین واما علی فهو
الصدیق الاکبر لا یخش یوم القیامة من احبهم
ترجمه حدیث شانزدهم آنکه مرویست از انس بن مالک که گفت دیدم
حضرت رسول را در خواب که فرمود بمن ای انس چه باعث شد
ترا که اذا کردی آنچه را که شنیدی از من در حق علی بن ابیطالب
تا آنکه یافت ترا عقوبت الهی واگر نباشد طلب آمرزش
خواستن علی بن ابیطالب از برای تو نخواهی شنید تو بوی
بهشت را ولیکن خبر ده در بقیه عمر خود که بتحقیق امیرالمؤمنین
علی بن ابیطالب و ذریه طیبه و دوستان و شیعیان
وی سبقت یابندگان بارگاه رحمت و اول مقدم و واصلان
جنت هستند و شیعیان وی همسایگان اولیای خدایند یعنی حمزه
و جعفر و حسن و حسین و اما علی بن ابیطالب علیه السلام پس
وی گوینده بزرگست نمیترسد روز قیامت کسیکه دوست دارد

باب دوازدهم



علی بن

علی بن ابیطالب و فرزندان او را علیهم السلام بر محبان
عترت نبوی خاک بوسان سدهٔ علوی یعنی محبتان صوری
و معنوی از این حدیث صحیح دو نکته صریح گشته اول آنکه اگر
غافلی باغوای شیطان انسی یا جنی در طریقهٔ محبت و ولای آن
اولیای دین نبوی و مظاهر نور سبحانی قدم سست نموده در شهادت
حق و نیابت آن ولی مطلق و اولاد امجاد او که هر یک کلام الله
ناطقند از مخافت اعداء و مراعات مراتب دنیا زبان بخشاید
چون از در اعتذار و پشیمانی و اعتراف بغفلت و نادانی بر آید
با وجود آن خطای عظیم از عطای عمیم رحمت عالمیان و شفیع
زمرهٔ آدمیان و بخشایش آن سلطان صاحب کرم و مقرب
و مقدم بارگاه قدم و اولاد معصومین ایشان صلوات الله
علیهم اجمعین امید تجاوز و تلطف و رجای تفقد و ترحم هست
چنانکه جمال همایون فال نبوی با انس بن مالک نمود و امر شهادت
در بقیهٔ عمر فرمود و از فرده استغفار مولای حقیقی بر قواعد
مرحمت افزود دوم این بخت ظاهر شعر است دوم آنکه هر که بر جادهٔ

محبت و تشیع و تمسک ازدست شعشع اہلبیت عصمت و طہارت
مقیم و ثابت قدم باشد بلاشک در بارگاه رحمت و السابقون
السابقون اولئک ہم المقربون مقرب و ندیم گردد و با وجود
این قرب و منزلت و وصول بدین درجه و کبکبه دیگر شیعه را
چه جای خوف و خطر خواہد بود بلکه از شفاعت اہل نیران
و سقر خواہند توانند نمود الا ان اولیاء اللہ لا خوف علیهم و لا هم یحزنون
الحدیث السابع عن عبد اللہ بن عمر قال قال رسول اللہ صلعم من احبنا اہل البیت قبل اللہ
منه صلوته و صیامه و قیامه و استجاب دعاؤه الا و من احب علیا
اعطاه اللہ لکل عرق فی بدنه مدینة فی الجنة الا و من احب
آل محمد امن من الحساب و المیزان و الصراط الا
و من مات علی حب آل محمد صلی اللہ علیه و آله فانا کفیله
بالجنة مع الانبیاء الا و من ابغض آل محمد صلی اللہ علیه
و آله جاء یوم القیمة مکتوب بین عینیه ایس من رحمة اللہ
ترجمه حدیث ہفتم است آنکه مرویست از عبد اللہ بن عمر بن
الخطاب که گفت فرمود رسول خدا که ہر که دوست دارد علی بن

حدیث ہفتم


ابیطالب

ابیطالب ع ابخشد او را الله تعالی بعدد رگی که در بدن او ست
شهر عظیمی در بهشت و قبول کند خدا تعالی از وی نماز او و روزهٔ
او را و قیام او را در جمیع عبادات و مستجاب کند دعای او را
آگاه باشید که هر که دوست بدارد علی را و اولاد او را پس بتحقیق
ایمن شود از حساب قیامت و میزان و صراط آگاه باشید که
هر که بمیرد بر دوستی آل محمد پس من ضامنم از برای او که برسانم
او را در بهشت با انبیا و رسل آگاه باشید که هر که دشمن دارد
آل محمد را بیاورند روز قیامت بروجی که نوشته شده باشد میان
هر دو چشم وی که آیس من رحمة الله یعنی که این شخص ناامید است
از رحمت خدا تعالی بواسطهٔ عداوت آل محمد علیهم السلام بر ناظر
مسالک شهادت و سالک طریق ارادت مخفی نخواهد بود که بمقتضای
آیات محکمات و نصوص احادیث معجز سمات مدار رد و قبول
عامهٔ موجودات بعد از معرفت توحید و نبوت بر محبت و
عداوت سلطان حسین ع و اولاد معصومین او و صلوات الله
علیهم اجمعین است پس نا راین سعادت مند که جبههٔ آمالش

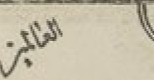


بداغ

باغ عبودیت آن عبادت کیشان قرین و مسموم باشد بلاء
نامهٔ اعمالش بدین رقم منظور نظر قبول و جهٔ قبایش
مطرح نور وصول خدا خواهد بود و بی سعادتیکه این برات نجات
بهنگامهٔ عرصات نرساند بلاشبهه چون ابلیس لعین از آب
عتاب بر وجوه اخوانش خواهد کشود و کلک غضب الهی بمداد زند و
بر صفحهٔ جبههٔ حالش تسوید رقم محرومی خواهد کشید تا در قلمرو
وجود در نظر ارباب شهود صورت مآل مخالفان حق و نتیجه
مخالفت اولیاء معصومین ظاهر و ممتاز گردد و هر سالکی
مقتضای کل شیء یرجع الی اصله همت بر هر چه گماشته بدان
باز گردد لاجرم هر کس دل هر چه نگارد معنی آن صورت
در نظر خواهد دید و روی همت بر مقصد که آرد آخر الامر
بدان خواهد رسید ان الله لیس بظلام للعبید الحدیث الثانی
عشر عن عبد الله بن مسعود قال قال رسول الله صلی الله
علیه و آله اذا کان یوم القیمة تقعد علی بن ابی طالب علیه السلام علی
الفردوس و هو جبل علی الجنة و فوقه عرش رب







العالمین ومن سنخه یتفجر انهار الجنة وفوقه
عرش رب العالمین ویتفرق فی الجنان وهو جالس
علی کرسی من نور یجری بین یدیه نهر التسنیم لا یجوز احد
علی الصراط الا ومعه براءة بولایته وولایة اهل بیته یشرف
علی الجنة فیدخل محبیه الجنة ومبغضیه النار

ترجمه حدیث هجدهم آنکه مرویست از عبد الله بن مسعود
که گفت حضرت خاتم النبیین رحمة للعالمین فرمود وقتیکه
ظاهر شود روز قیامت بنشیند امیر المومنین و سلطان الموحدین
و یعسوب المسلمین علی بن ابی طالب بر فردوس و فردوس
کوهیست که بتحقیق بلند و مشرف شده بر جنت و بر بالای این
فردوس است عرش رب العالمین و از زیر دامن آن کوه
فردوس روان میگردد نهرهای جنت و متفرق میشود در جاهای
بهشت و آن سلطان الاولیا نشسته خواهد بود بر کرسی از نور
چنانکه جاری خواهد بود پیش دست آنحضرت نهری از تسنیم نخواهد
گذشت هیچیک از صراط مگر آنکه برائتی با او باشد مشتمل بر تحقیق محبت

از خلایق

وولای آن سلطان ولایت پناه وولای اهلبیت آنحضرت
علیه السلام مشرف میشود آن حاکم خلد ونیران بهشت
پس داخل میسازد دوستان وشیعیان خودرا در بهشت
ودشمنان خودرا ابدوزخ بر موافقان موفق تحقق گشت واز
احادیث سابقه نیز ظاهر ومبتین شده بود که قسمت نار
وجنت بحسب قسمت ازلی بدان مظهر اسرار لم یزلی مفوض
ومسلم است بنابراین محبان صادق وشیعیان موافق را
فردای قیامت از معاصی چه غم وخوف خواهد بود چنانچه
حدیث لایخشی یوم القیامه من الجحیم دلالت صریحه براین
مضمون دارد الحمد لله الذی هدانا لهذا وما کنا لنهتدی
لولا ان هدانا الله الحدیث التاسع عشر عن حذیفة بن الیمانی رضی
قال قام رسول الله صلی الله علیه وآله وقبل ما بین عینی
علی بن ابی طالب علیه السلام وقال یا ابا الحسن
انت عضو من اعضائی تزول حیث زلت وان
لک فی الجنة درجة الوسیلة فطوبی لک







ولشیعتك من بعدی

ترجمهٔ حدیث نوزدهم از حذیفهٔ یمانی عبسی مرویست که گفت
برخاست سید کائنات علیه وآله الصلوة والتحیات و بوسید
میان هر دو چشم آفتاب برج هدایت و ولایت امیر المؤمنین
علی بن ابیطالب را و گفت یا ابا الحسن تو عضوی از اعضای منی
میشوی وقتی که فانی شوم و تحقیق مقرر است در بهشت مرتبهٔ وسیله
بودن و درجهٔ شفاعت کردن پس خوشا حال تو بعد از من ای ابا
نظر و مقرر است که حضرت نبی کریم علیه التحیة والتسلیم را
غرض از نسبت آنحضرت را بعضو مؤمنین اظهار کمال یکجهتی
ونهایت تعلق روحانی بوده و بتقبیل عینین اشعار بغایت
توجه خاطر و عین اتحاد و باطن فرموده و نیز در صحاح
درایت ظاهرست که بواسطهٔ تعاقب وحی آسمانی و تکرار اتیان
لطف نهانی از حضرت سبحانی آن مجموعهٔ اسرار یزدانی و مظهر
انظار عواطف ربانی حضرت سلطان المرسلین و رحمة

و حال شیعیانرا
ترجمه

و نظایر

للعالمین علیہا وآلہا المعصومین صلوات اللہ والملائکۃ والناس
اجمعین از شعلۂ محبت آنشاہ ولایت پناہ دمبدم در
ہیجان بودہ و ہر دو چشم جعفردن توجہ دیگر و ہر لحظہ تعیین
نظری بیشتر از پیشتر بدان مردم چشم آفرینش و نور دیدۂ اہل
دانش و بینش ظاہر مینمود و ہر لحظہ بر حضار مجالس خویشتن
نخشۂ از آن اخبار و شمۂ از آن آثار چنانچہ مامور بودہ اخبار مینمود

وانہادم

الحدیث العشرین عن ابی ہریرۃ قال قال رسول اللہ صلی اللہ علیہ
والہ خیر ہذہ الامۃ من بعدی علی ابن ابی طالب علیہ
السلام وفاطمۃ والحسن والحسین علیہم السلام فمن
قال غیر ہذا فعلیہ لعنۃ اللہ

ترجمہ حدیث بیستم آنکہ مرویست از ابی ہریرہ کہ گفت رسول خدا
صلی اللہ علیہ وآلہ کہ بہترین امت بعد از من علی بن ابی طالب
و فاطمہ است و حسن و حسین پس ہر کہ غیر این گوید پس براو
لعنت باد از خدای تعالی بر طالبان حق وارشاد و سالکان
مسالک حسن اعتقاد بنابراین حکم محکم مسلم گشتہ کہ بعد از

از حضرت سید المرسلین و خاتم النبیین صلوات الله وسلامه
علیه و آله المعصومین و حضرت واجب الوجود تعالی شانه
مختص شرف کرامت و قرب و پایه قدر و منزلت سلطان اولیا
امیر المومنین علیه السلام و حضرت فاطمه زهرا و امام حسن
میباشد و امام حسین علیهم شرائف الصلوة من رب السموات و
حضرت رسول خدا بنابر تنبیه جحود و ارباب عناد انحراف
ایشان از جاده حسن اعتقاد و بدین نصوص جلیه تکلم منیف موده
و هر نکته که بیان نموده بلا ریب موافق وحی الهی نموده پس هر که
بر خلاف حکم و نص رسول ابواب خلاف بر روی ایشان گشاده
و مرتکب غصب حقوق آنحضرت والا درجات گشته در مقام
آزار خاطر عصمت شعار ایشان بوده بلکه وصیت بمخالفت
و آزار آن مظاهر رحمت یزدان فرموده باشد بلا شبهه اعتقاد
اعتقاد باسلام وی محض کفر است و الحاد و اعتراف بکفر وی و دوری
عین اسلام و حسن اعتقاد خواهد بود لعنت الله علی من انکر الحق
الاجلی و الخبر عن انس بن مالک قال قال رسول الله

يا انس اسرج بغلتي فاسرجت بغلته فركب و
اتبعته حتى اتى باب دار علي بن ابي طالب فقال لي
يا انس اسرج بغلته فاسرجتها فركبها وانا معهما حتى
صار الى فلاة من الارض خضرة نزهة فاظلهما غمام بيضا
فتقاربت فاذا بصوت قال السلام عليكما ورحمة الله و
بركاته فرداه وهبط الامين جبرئيل عليه السلام فاعزه
مليا فلما ان عرج الى السماء دعا النبي صلى الله عليه
وآله عليا عليه السلام فناوله عليها تفاحة سطر
منشاة من العبدة من الطالب الغالب علي بن ابي
طالب عليه السلام تحية من الله تعالى
ترجمه حديث بيست و يكم آنكه روايت از انس بن مالك كه گفت رسول
خدا صلى الله عليه وآله فرمود كه يا انس زين كن استر مرا پس
زين كردم استر آنحضرت را آنگه سوار شد و من از پى او ميرفتم
تا آنكه بدر خانه علي بن ابيطالب پس فرمود كه اى انس زين كن استر
علي بن ابيطالب پس زين كردم آنرا و هردو سوار گشتند و من

با ایشان بودم تا آنکه گردیدند صحرای سطحی از زمین که سبز بود
و پاکیزه پس سایه افکنده بود بر سر ایشان هر دو ابر سفیدی آنکه
نزدیک شد آن ابر و باواز بلند گفت السلام علیکما و رحمة الله
و برکاته پس جواب دادند هر دو سلام را در حال فرود آمد
جبرئیل امین علیه السلام بجناب پیغمبر و جبرئیل بکناری رفتند
زمان درازی بعد از آن چون عروج نمود جبرئیل باسمان پس پیغمبر
پیغمبر امیر المؤمنین علیه السلام را پس دادو بوی بسبب بزرگی
که بر آن سطری بود انشاء کرده از قدرت الهی که من الطالب الغالب
الی علی بن ابیطالب تحیة من الله تعالی بر مناقب و مواثق از
این بشارت عالی روشن و منجلی شد که ظل مرحمت الهی
و سحاب عاطفت نامتناهی تواتر عطایای پادشاهی تا شتر اب
بر فرق آن دو شاه صف شکن سایه افکن است و توجه خدا و
رسول و جبرئیل امین در استرضای آن امام امین متین و
سلطان موتمن ثابت و محکوم به و افتتاح دین نبوی صلی الله
علیه و آله چون اختتام و آغاز شریعت مصطفوی مانند انجام



تا مقام

باقدام آنحضرت والا رتبت قرین و مبین است حدیث
الثانی والعشرون عن ابی معاویة قال قال لی الاعمش
یا ابا معاویة الا احدثك حدیثا لا تحتاج
علیه شیئا قلت بلی فحدثك قال حدثنی ابو
وائل ولم یسمعه احد غیری عن عبد
الله بن عمر قال ولم یسمع احد غیری قال
قال رسول الله صلی الله علیه وآله ولم
یسمعه منه احد غیری قال لی جبرئیل یا
محمد علی خیر البشر من ابی فقد کفر

ترجمه حدیث بیست و دوم آنکه روایت است از ابی معاویه
که گفت من اعمش و گفت ای ابا معاویه آگاه باش خبر دهم
ترا بحدیثی که ترجیح ندهی بر آن حدیث هیچ چیز را گفتم بلی حدث
شوم گفت خبر داد مرا ابو وائل و نشنیده از او احدی غیر
من و او روایت نمود از عبد الله بن عمر بن خطاب و او نیز گفت
که نشنید از عبد الله کسی آنخبر را غیر از من که گفت رسول خدا

صلی الله علیه و آله این سخن را که شنید از رسول خدا این سخن
غیر از من که آنحضرت فرمود که گفت جبرئیل بمن که یا محمد
علی بن ابیطالب ع بهترین همه بنی آدم است هر که اباکند این
سخن را بتحقیق کافر است ارباب محبت و ولا صورت این
معنی در عین وضوح و جلا است که سلطان ولایت
امکان علیه التحیة والسلام سر الله است و عالم السر و الخفیات
از حقیقت حال وکماهی احوال واگاه و آنچه از معجزات وکمالات
بر عالمیان ظاهر است ذره از خورشید باهره وقطره از آن
بحر زاخر است حضرت عزت وی را ولی مختار و کنجور خزانه علم
و اسرار خود خوانده و نبی مختار صلی الله علیه و آله وی را بسریر
نیابت و محبت و مسند خلافت و اخوت نشانده و در کمال معجزات
از سایر انبیا بعد از خاتم النبیین ع بیش و در رتبه حالات
قرب وی از جمله ملائکه مقربین بر بیش است از بسکه در حکم
و ملک بامر الهی قدرت کامله و نصرت شامله نامتناهی
داشته خلایق وی را خالق پنداشته و از بسکه علم اقتدار



ارباب محبت

برساخت امکان بر فرق ممکنات وی را واجب مطلق انگاشت
واتحق طریقهٔ اضاف صفات حقیقت چنین شاید و عابد را
با معبود خود صفت یکرنگی چنین باید و چون مقرر و مسلم است
که خلاصهٔ بنی آدم و بهترین خلایق از ملائکه و انبیاء متقدم حضرت
خیر المرسلین صلوات الله علیه و آله المعصومین است و حضرت
امیر المؤمنین علیه السلام با آنحضرت مرتبهٔ اخوت و کمال
اتحاد بلکه وحدت جهت و نهایت اتحاد داشت چنانچه احادیث
متواتره مؤید و شاهد این مدعاست پس در خیریت آن وصی حق
نسبت بجمیع خلایق خصوصا نوع بشر چه جای ابا و عناد است

و مؤخر

الحدیث الثالث والعشرون عن عبد الله بن مسعود قال قال
رسول الله اول من اتخذ علی بن ابی طالب اخا من اهل
السماء اسرافیل ثم میکائیل ثم جبرئیل و اول من احبه من
اهل السماء حملة العرش ثم رضوان خازن الجنان ثم
ملک الموت وان ملک الموت یترحم علی محبی
علی بن ابی طالب علیه السلام کما یترحم علی الانبیاء

ترجمه حدیث بیست و سیم آنکه مرویست از عبدالله بن مسعود
که فرمود رسول الله صلی الله علیه و آله که اول کسیکه را دوست گرفت
علی بن ابیطالب را از اهل آسمان اسرافیل بود و بعد از و میکائیل
و بعد از و جبرئیل و اول کسیکه دوست داشت علی بن ابیطالب را
از اهل آسمان حاملان عرش بودند و بعد از ایشان رضوان
خازن بهشت و بعد از و ملک الموت و تحقیق که ترحم میکند
ملک الموت بر محبان و شیعیان علی بن ابیطالب علیه السلام
همچنانکه ترحم میکند بر پیغمبران الحدیث الرابع والعشرون عن ابن
عباس قال سمعت رسول الله صلی الله علیه وآله یقول لیلة
اسری بی الی السماء ادخلت الجنة فرأیت نورا ضرب بوجهی فقلت
لجبرئیل ما هذا النور الذی رأیته فقال یا محمد لیس هذا
نور الشمس ولا نور القمر ولکن جاریة من جواری
علی بن ابی طالب اطلعت من قصورها فنظرت الیک
فضحکت هذا النور من فیها وهی تدور فی الجنة الی
ان یدخلها امیر المؤمنین علی بن ابی طالب علیه السلام

ترجمه حدیث بیست و چهارم آنکه روایت است از ابن عباس
که گفت شنیدم از رسول خدا که میفرمود شبی که بسیر رفته بودم
در معراج بسوی آسمان در آمدم در بهشت پس دیدم که زده شد بان نود و چهارم
نور روی من پس گفتم جبرئیل را که چیست این نور که من دیدم پس گفت
جبرئیل نیست این نور آفتاب و نیست نور ماه و لیکن کنیزی از جمله کنیزان
علی بن ابیطالب است که طلوع کرد از قصرهای خود و پس نظر کرد بجانب
تو و خندید پس این نوریکه دیدی بیرون آمد از دهن وی و این کنیز
میگردد در بهشت تا آنکه داخل شود علی بن ابیطالب در قصر وی
بر ضمیر منیر شومن چنیز محجوب نماند که غرفات بهشت عنبر سرشت
مقام استراحت مقربان و منزل راحت مخصوصان بارگاه قرب و
محبان آن و فاکیشانست و جلوه جمال حور عین که سرشته از عین نور است
بطفیل نور حضور آن صفاکیشان و فاندیشان خصوصاً آن سلطان
مسند ولایت و مطلع انوار هدایت که مخصوص ترین و مقرب ترین
ایشان است مخلوق گشته است الحدیث الخامس و العشرون عن عائشة قالت قال
النبي صلى الله عليه و آله ذكر علي بن ابي طالب عبادة

ترجمہ حدیث بیست و پنجم مرویست از عایشہ کہ نقل نمودہ از جناب
بارفعت حضرت رسالتمآب کہ آنحضرت فرمود کہ یاد کردن
علی بن ابیطالب علیہ السلام عبادتست الحدیث السادس
والعشرون عن سمرة بن جندب عن ابی هریرة قال کان
النبی صلی الله علیه واله کلما اصبح اقبل علی اصحابه
بوجهه فقال هل رای منکم رؤیا وان النبی صلی
الله علیه واله اصبح ذات یوم فقال رایت فی
المنام عمی حمزة وابن عمی جعفرا جالسین من بین
ایدیهما طبق من نبق وهما یاکلان منه فما
لبثا ان یحول رطبا فاکلا منه فقلت لهما
ما وجدتما افضل الاعمال فی الآخرة قالا الصلوة
وحب علی ابن ابی طالب علیه السلام واخفاء الصدقة
ترجمہ حدیث بیست و ششم مرویست از سمرہ بن جندب کہ او روایت
نمودہ از ابو ہریرہ کہ او گفت بود عادت حضرت رسول کہ
ہر روز چون صبح میدمید روی مبارک بجانب اصحاب میاورد

پس پیغمبر فرمود که آیا کسی از شما خوابی دیده پس بتحقیق روزی آنحضرت
صبح کرده حال آنکه پیغمبر فرمودند که دیدم در خواب عمّ خود حمزه
و پسر عمّ خود جعفر طیار را که هر دو نشسته بودند و در پیش دست هر دو
طبقی از بار درخت سدر در حالتیکه میخوردند ایشان هر دو از آن میوه
درخت سدر پس درنگ نکرده دیدم که گردید آن میوه سدر تبدیل
بخرمای رطب پس خوردند هر دو از آن خرما بعد از آن گفتم مر ایشانرا چه چیز را
یافتید بهترین اعمال در سرای آخرت گفتند نماز و حب علی بن
ابیطالب و پنهان دادن صدقه بر طالبان حسنات و صاحب
خیرات از جمله بدیهیات است که صلوة و تصدق هر چند که در
دین از جمله حسنات و ضروریات است اما محبت امیر المؤمنین علیه
السلام اشرف و اکمل ضروریات و حسنات است و موقوف علیه
قبول طاعت و عبادت است و حسنات و عبادات بی طاعت و محبت
آنحضرت حسنات محسوب نه بنا بنصوص سابقه محبت وی با
ترک طاعت از روی جهل مستمر عفو و عروج مدرجات جنان می تواند

خواهد شد صح

بود و اما طاعت بدون محبت وسیله وصول نه بلکه ادراک در کار نیست

الحدیث السابع والعشرون عن ابی بکر عبد الله بن عثمان قال
کنت مع النبی صلعم فی بستان عامر بن سعد بعقیق السفلی
بینما نخترق البستان اذ صاحت نخلة بنخلة فقال
النبی صلی الله علیه وآله اتدرون ما قالت النخلة
فقلنا الله ورسوله اعلم قال صاحت هذا محمد ووصیه علی
ابن ابی طالب فسماها النبی صلی الله علیه وآله الصیحانی
ترجمه حدیث بیست وهفتم آنکه روایت هست از ابی بکر عبد الله بن
عثمان که گفت بودم با حضرت رسول صلی الله علیه وآله
در بستان عامر بن سعد در عقیق سفلی پس در اثنائی آنکه ما کنیدیم
خاک از بیخ درخت خرماهای آن بستان پس ناگاه آوازی داد
درخت خرمائی که میگفت چیزی به درخت خرمای ماده
پس گفت حضرت رسول صلعم آیا میدانید شما که چه میگفت
این درخت راوی گوید که عرض کردیم ما خدا و رسول خدا دانا
ترند فرمود که این درخت هذا محمد و وصیه علی بن کفت ع
ابیطالب یعنی این محمد است و وصی وی علی بن ابیطالب

پس نام نهاد حضرت رسول آمد رفت خبرها ر اصبهانی نیابد
صد اینکه از و مسموع شد الحدیث الثامن والعشرین عن ابی سعید
الخدری قال قال رسول الله صلی الله علیه وآله العلم خمسة
اجزاء اعطی علی بن ابی طالب من ذلک اربعة اجزاء و
اعطی سائر الناس واحدا والذی بعثنی بالحق بشیرا
ونذیرا لعلی بجزء الناس اعلم من الناس بجزئهم
ترجمه حدیث بیست وهشتم در فردوس الاخبار دیلمی مسطور است
آنکه از ابوسعید خدری که گفت حضرت رسالت پناه فرمود
که علم پنج جزو قسمت شده و خدای عزوجل بخشید بعلی بن ابی طالب
از آن پنج جزو چهار جزو و بحق خدای که بر انگیخت مرا بحق بشارت دهنده و ترساننده
خلایق از خدا که علی بن ابیطالب بجزو یکه از افراد انسانست دانا
تر هست از جمیع افراد انسان بجزو علمی که مخصوص ایشانست برابر آن
علوم و اصحاب رسوم علوم گشت که آن سلطان الاولیا بمسند
نشین لو کشف الغطاء ما ازددت یقینا و متمکن سریر سلونی ما دون
العرش کلام الله وگنجینه علوم انبیاء سابق و لاحق است خصوصا

خاتم انبیا و اکرم اصفیا که شهر علم است و در علوم غیبی از همه
فایق و آنوالی والاجاه و قرآن شهر است و بنا بر کلام منتظم نبوی
چهار جزو از اجزا علوم مخصوص اوست و از قسمی که شعر است به
زیادتی علوم اولین و آخرین یا علی بن ابیطالب صلوات الله علیه است

الحدیث التاسع و العشرون عن ابن عباس قال قال رسول
الله صلی الله علیه و آله من صافح علیا علیه السلام فکانما
صافحنی و من صافحنی فکانما صافح ارکان العرش
و من عانقه فکانما عانقنی و من عانقنی فکانما
عانق الانبیاء کلهم و من صافح محبا لعلی غفر الله
له الذنوب و ادخله الجنة بغیر حساب

ترجمه حدیث بیست و نهم است آنکه مرویست از ابن عباس که روایت
نموده از حضرت رسول صلعم که فرمود هر که دست بوس کند علی را
چنان باشد که دست بوسی کرده باشد مرا و هر که دستبوس کند مرا چنان
باشد که مصافحه کند ارکان عرش مجید را یعنی جمیع اجزا آنرا و هر که
دست در گردن کند علی را چنان باشد که دست در گردن کند

با من و هر که دست در گردن کند با من چنان باشد که دست در
گردن کرده با جمیع انبیا و هر که دست بوس کند با مجتبی یعنی
علی بن ابیطالب یا مرزد خدا تعالی گناهان او را و در آورد او را
بهشت بی مشقت حساب و عقاب بشارت ازین بشارت عالی
اشارت محقق که تا باشد سعادت دست ارادت در ذیل ولایت آن
سلطان ولایت منقبت علیه و آله الصلوة و التحیة نکرده پای استقامت
بر جادهٔ محبت آنحضرت نهاده اند بالاشتیاق بجامع ملکوت
مصافحه با ایشان اگر دست دهد منصب رفیع است و خلوت گزینان جامع
جبروت را معانقه با ایشان اگر روی نماید مرتبهٔ منیع است و ذلک
فضل الله یؤتیه من یشاء والله ذو الفضل العظیم الحدیث الثلثون
عن انس بن مالک قال قال رسول الله صلی الله
علیه و آله خلق الله من نور وجه علی بن ابی طالب علیه السلام
سبعین الف ملک یستغفرون له و لمحبیه الی یوم القیمة
ترجمه حدیث سی ام الکلمة علت انس بن مالک که گفت حضرت
رسول صلی الله علیه و آله فرمودند که خدا تعالی آفریده است

از نور روی علی بن ابیطالب علیه السلام هشتاد هزار فرشته که طلب
آمرزش نمایند برای او و از برای محبان و شیعیان وی تا روز
قیامت الحدیث الاحد و الثلثون عن مشکوة التقوی عن
عمر بن الخطاب قال سمعت ابی بکر بن ابی قحافه یقول سمعت رسول الله
صلی الله علیه و اله یقول ان الله تعالی خلق من نور وجه
علی بن ابی طالب علیه السلم ملئکة یسبحون و یقدسون
و یقدسون و یکتبون ذلک لمحبه و محبی ولده
ترجمه حدیث سی و یکم که در مشکوة التقوی مذکور است منقول است مروی
از عمر بن الخطاب که گفت شنیدم از ابا بکر بن ابی قحافه که میگفت شنیدم
از رسول خدا که میفرمود خدای عزوجل خلق فرمود گروهی از ملائکه از نور
که تسبیح میگویند جناب مقدس الهی را و تقدیس مینمایند و اجل
جلاله و می نویسند فرشتگان حساب آن همه را برای محبان علی بن
ابیطالب و محبان اولاد و الاشراد و صلوات الله علیهم اجمعین
بر ساکنان صوامع قدس بالاشتیاق محافل انس واضح و مبرهن است
که خلاق علی الاطلاق و فیاض بالاستحقاق نور آفتاب آن حضرت علی

سطلع از نو

احشرق را از نور خود اشتقاق فرموده بشان تسبیح و تقدیس و تمجید
معبودیت پرورش نموده چنانکه آنحضرت و فرزندان گرام او علیه
و علیهم السلام را بجهة معرفت و طلعت خود خلق نموده عاشقانه ماسوی
بطفیل وجود کثیر البجود ایشان و بجهة معرفت آن صفا کیشان محبت
اندیشان آفریده و امر باطاعت و انقیاد او امر ایشان فرموده
پس بنا بر این آفرینش فرشتگان مقدس از نور وجود آن نیر اوج
حقیقت و عرفانست و وصول تسبیح و تقدیس آن فرشتگان سبحان
وی و سبحان اولاد و الا امکان از کمال غایت وجود حضرت
معبود بعید نخواهد بود الحدیث الثانی و الثلثون عن انس بن
مالک قال قال رسول الله صلی الله علیه و آله اذا کان
یوم القیمة ینادی علی بن ابی طالب علیه السلام بسبعة
اسماء یا صدیق یا دال یا عابد یا هادی یا مهدی
یا فتی مر انت و شیعتک الی الجنة
ترجمه حدیث سی و دویم است که در مناقب ابو بکر بن احمد بن موسی بن
مردویه الحنفی مسطور است که مرویست از انس بن مالک که گفت

انس که فرمودند رسول الله صلی الله علیه و آله که هرگاه قایم
قیامت ندا کرده شود در آن روز حضرت امیرالمومنین علیه السلام
از عرش مجید هفت نام اول یا صدیق یعنی عین راستی و ندای
لفظ بصیغه مبالغه برای اشعار بکمال آنحضرت دویم یا دال یعنی
دلالت کننده خلق بخداشناسی و حق پرستی سیم یا عابد یعنی ای
عبادت کننده بروجه حقیقت بجمیع جوارح ظاهر و باطن چهارم
یا هادی یعنی ای نماینده عباد طریق نجات و رستگاری پنجم یا مهدی
یعنی ای رسیده بمطلوب و مقصود حقیقی ششم یا فتی یعنی ای جوانمرد
در حق طلبی و شناسائی معبود حقیقی هفتم یا علی یعنی بلند مرتبه باعتبار
استجماع صفات قدسیه و حضور بکمالات انسیه که زبان بیان و بنان
از تبیان اول درجه مرتبه آن قاصر است و مقصود از ندای
باین هفت نام بزرگ آنست که بگذر تو و شیعیان تو بسوی بهشت
بی ارتکاب مشقت حساب برهند بدان طریق توفیق روشن است
که چون روز قیامت آنحضرت را بدین ندای بشارت آمیز مستبشر
سازند عامه شیعیان حضرت و زمره ناقدان گوهر محبت

عام خواهد بود وابواب نعیم بر روی خاص وعوام این فرقه علی الاعم

خواهد گشت واز انجا مقتضی کرامت شد محبت اهل البیت ع اقل

وجه اکثر که از درجه اعتبار نخواهد افتاد وچون چشمه خورشید کرم

عاشه ذرات رشاعت عموم مجاز ادرشد ووصول مقصد کامل

خواهد شد الحمد لله الذی هدانا وما کنا لنهتدی لولا

ان هدانا الله الحدیث الثالث والثلثون نقل عن مسلم

عن عایشة قالت دخل علی بن ابی طالب علیه السلام علی ابی بکر

فی مرضه الذی قبضه الله فیه فجعل ابی ینظر الی علی بن ابی

طالب ع فما یصنع بصره عنه فلما خرج علی ع قلت یا ابه

تنظر الی علی بن ابی طالب ع فما یصنع بصرك عنه فقال

یا بنیة انا فعل هذا الا قد سمعت رسول الله صلی الله

علیه واله یقول النظر الی علی بن ابی طالب علیه السلام عبادة

ترجمه حدیث سی وسیم است که در صحیح مسلم مذکور است که روایت

کرده از عایشه که گفت داخل شد امیر المومنین علی بن ابی طالب

ابیطالب بر ابو بکر در مرضی که قبض روح کرد الله تعالی روح او را



دران

در آن مرض پس نظر میکرد پدران بسوی علی بن ابی طالب و
میل میکرد چشم وی از روی مبارک آنحضرت بجانب دیگر
پس می گفتی که بیرون رفت علی بن ابی طالب علیه السلام گفتم
من که ای پدر دیدم ترا که نظر میکردی بجانب علی بن ابی طالب
علیه السلام و حرکت میکرد چشم تو از روی مبارک او بجانب دیگر
گفت که ای دختر من نکردم اینکار را مگر اینکه بتحقیق شنیدم از رسول
خدا صلی الله علیه و آله که میفرمود نظر کردن بسوی علی بن
ابیطالب ع عبادتست اهل بصیرت و نظر محجوب نخواهد بود
که آن بی بصیرت با وجود اعتراف باین مضمون جلی و از حصن جسد و غلی
نمی اندیشد که مظهر جامعی که از قول رسول خداوند جل و
علا شده و جمال باکمال وی عبادت باشد محبت و متابعت وی
نزد خدا و رسول چه مرتبه جلیله خواهد بود و خلافتی که در کتب
معتبره بالاتفاق مسطور است حق آن سلطان ولایت مآبست
چگونه غصب مینماید و ابواب غضب الهی را بر خود گشاده می
سازد و باین نوع مخالفت حضرت حق و حاکم علی المطلق حق

وی چه حکم خواهد فرمود الحدیث الرابع والثلثون نقل عن مشکوة عن زید بن
ثابت قال قال رسول الله انی تارک فیکم الثقلین کتاب الله
وعلی بن ابی طالب عالما بتفسیره وتاویله هو افضل لکم من
کتاب الله تعالی لانه مترجم لکم من کتاب الله تعالی
ترجمه حدیث سی و چهارم است که در مشکوة النبوی شیخ محمد بن
ابی احمد السمرقندی مذکور است آنکه مرویست از زید بن ثابت که او
روایت نمود که حضرت رسالت پناه صلی الله علیه وآله در مقام
خطاب بامت فرمودند که تحقیق من وا گذارنده ام در میان شما دو
چیز را که بزرگ مرتبه عظیم الشان اند یکی کتاب الهی که قرآنست فرود
ما یحتاج الرعیه است و یکی دیگر علی بن ابیطالب است که عالم است
بتفسیر و تاویل آن و علی بن ابیطالب علیه السلام بهتر است از برای
هدایت شما از قرآن بوجهی آنکه او ترجمه کننده است از برای شما
آنچه را که نفهمیده اید از محکمات و متشابهات کتاب الهی بر عارفان
حقایق قرآنی و سالکان مناهج سبع المثانی کمال ظهور دارد کر را
قرآن حجه شهادت حق و دعوی نبوت پیغمبر آخر الزمان و بیان



مرتبه

مرتبهٔ ولایت و قرب آن ولی عالیشان و مرتبت اولاد و اصحاب
ایشان علیهما السلام صلوات الله الرحمن ج د ه و عالم بمرتبهٔ اعجاز
بمضمون قرآن و مراد الهی از آن بعد از پیغمبر صلوات الله علیه و آله
قرآن صاحب سر سلونی و اولاد معصومین آنحضرت بعضی نبوده
و نخواهد بود لاجرم الکلام الله الناطق بمراتب افضل از قرآن خواهد
بود سیما در طریق ارشاد و ترغیب بندها و هدایت ایشان بشریعت
غرا و ملت بیضا رباعی    فرمود نبی که میگذارم بجهان
دو تحفه یکی علی و دیگر قرآن    لیکن بخدا علی است افضل از آن
کان را بخر او کس نکند شرح و بیان الحدیث الخامس فی الشوق عن ابی
هریرة قال قال رسول الله صلی الله علیه و آله ان الله تعالی خلق فی
السماء الرابعة مائة الف ملك وفی السماء الخامسة ثلث
مائة الف ملك وفی السماء السابعة ملكاً رأسه
تحت العرش ورجلاه تحت الثری وملئکة اکثر من
ربیعة ومضر لیس لهم طعام ولا شراب الا
الصلوات علی امیر المؤمنین علی بن ابی طالب ع

ومحبته والاستغفار لشيعته المذنبين ومواليه

ترجمهٔ حدیث سی و پنجم است انکه مرویست از ابو هریره که گفت رسول
خدا صلی الله علیه و آله بدرستی که جناب اقدس الهی خلق کرده در آسمان
چهارم صد هزار فرشته و در آسمان پنجم هفتصد هزار فرشته و در آسمان
هشتم آفریده الله عز و جل فرشته عظیمی که سر او در زیر عرش است
و پای او در طبقات زمین است و خلق فرموده الله عز و جل ملائکه دیگر
که عدد ایشان بیشتر از عدد قطرهای باران است و مقرر نیست برای آن
ملائکه خوردنی و آشامیدنی یا نیمعنی که محتاج بامری باشند مگر آنکه
مشغولند که همیشه صلوات میفرستند بر امیر المؤمنین و بر دوستان
آنحضرت و طلب آمرزش مینمایند از جناب مقدس الهی برای شیعیان
گناه کار و دوستان آنحضرت در جهان دنیا و دین و شیعیان محبت
آیین از روی یقین معلوم است که ذات معجز سمات آن ولی عالی
درجات و اولاد جلیل الصفات آنحضرت علیهم الصلوة از اکیا
میان فیاض حقیقی و مستفیضان عالم علوی و سفلی وسیله و واسطه



و فیمابین

ویضاً بین خلایق تحقیقی وخلایق ارضی وسماوی علاقه رابطه اند
پس مقرر شده که هر که دست اعتصام بدامن التفات
وعنایات آنحضرت واولاد معصومین وصلوات الله علیهم
اجمعین استوار کرده روی تخشع وتذلل بر آستان رفیع بنیان
دوستی محبت ایشان اخلاص آورد با وجود سوابق معاصی وسلیه
شفاعت وذریعه مرحمت ایشان شرف مغفرت خواهد یافت
وآفتاب عاطفت الهی بتوسط مهر ومحبت آن صبح سعادت مع
نجوم اوج کرامت بروی خواهد تافت وبلاشبهه ازین نص صحیح
مفهوم گشت که عفو ذنوب گناهکاران روسیاه از نتایج محبت
والتفات وخصایص توجه وملاطفت ایشانست پس جمعی از
سیه کاران تیره روزگار که دست اعتصام بحبل المتین
ائمه اطهار زده مناقب خلفاء اهل کفر وضلال اختیار نموده
باشند یقین حاصل ست که آفتاب عاطفت الهی وتیره
مرحمت پادشاهی بر ساحت احوال ایشان نخواهد تابید



الحدیث

الحديث السادس والثلثون عن سعد بن جنادة العوفي

يذكره يسمع النبي صلى الله عليه وآله يقول علي بن ابي

طالب سيد العرب فقيل الست سيد العرب فقال

انا سيد ولد آدم وعلي سيد العرب من احبه وتولاه

احبه الله وهداه ومن ابغضه وعاداه اصمه الله

واعماه علي حقه كحقي وطاعته كطاعتي غير انه لا نبي بعدي من

فارقه فارقني ومن فارقني فارق الله انا مدينة

الحكمة وهي الجنة وعلي بابها فكيف يهتدي المهتدي

الى الجنة الا من بابها علي خير البشر من ابى فقد كفر

ترجمه حديث سی و ششم است آنکه مرویست از سعد بن جناده عوفی

مذکور ساخت که شنیدم از پیغمبر صلی الله علیه و آله که میفرمود

علی بن ابیطالب سید عرب است پس پرسید شخصی که ای

سید کائنات آیا نیستی تو سید عرب آنکه جواب فرمودند

که من سید و سرور آدمم و علی بن ابیطالب علیه السلام سرور

عرب است هرکه دوست دارد او را و تولی نماید او بتحقیق که دوست

داشته او را خدای تعالی و هدایت نموده او را براه نجات و هر که دشمنی
کند با او و عداوت کند با علی بن ابیطالب علیه السلام کر سازد
گوش او را الله تعالی از شنیدن و کور کند دیده بصیرت
او را از دیدن طریق نجات و حق علی بن ابیطالب بزرگ
خلایق چون حق پدرست بر پسران و فرمانبرداری او واجب
بر کافه خلایق مثل فرمانبرداری من یعنی که همچون
اطاعت و انقیاد علی بن ابیطالب علیه السلام نیز بر همگی
واجب و لازم است و او را حاصلست همه صفات من مگر
پیغمبر خدایم مگر آنکه او بعد از من پیغمبر نیست و هر که جدائی کند
از وی مانند کسی است که جدائی کرده باشد از من و هر که
جدائی کند از من مانند شخصی است که جدائی کرده باشد
از خدای تعالی من شهر حکمت و معرفتم و آن بهشت است
و علی بن ابیطالب ع در آن شهرست پس چگونه راه تواند
یافت راه یابنده به بهشت مگر از در وی و علی بن ابیطالب
بهترین افراد بنی آدم است هر که انکار کند پس بتحقیق که کافر شده

اوامر من
واجب
بر خلایق اکثر
و انقیاد
ع

الحديث الرابع والثلثون نقل عن مشكوة عن رافع مولى عائشة قال
كنت غلاما اخدم عائشة فكنت اذا كان النبي صلى الله عليه وآله
عندها فربما فاعاطيهم قال فبينا النبي ص عندها ذات
يوم اذا شخص يدق الباب فخرجت اليه فاذا جارية
معها طبق مغطى قال فرجعت الى عائشة واخبرتها فقالت
ادخلها فدخلت فوضعته بين يدي عائشة فوضعته عائشة
بين يدي النبي ص فجعل يتناول منها ويأكل وخرجت الجارية
فقال النبي ليت امير المومنين وسيد المسلمين وامام المتقين
يأكل معي فقالت عائشة ومن امير المومنين وسيد المسلمين
فسكت النبي ثم اعاد الكلام مرة اخرى فقالت عائشة مثل
ذلك فسكت فجاء جاء فدق الباب فخرجت اليه فاذا هو
علي بن ابي طالب قال فرجعت فقلت هذا علي بن ابي طالب فقال
ادخله فلما دخل قال النبي مرحبا واهلا لقد تمنيتك
مرتين حتى لو ابطأت علي لسألت الله عز وجل ان يأتيني بك
اجلس وكل فجلس واكل معه ثم قال النبي قاتل الله من قاتلك



وعادى

معادی من عاداک فانک ومن یقاتله ومن بغاه دبر قاتل

انت ومن معک منا انت ومن معک انت ومن معی

ترجمه حدیث سی ششم است آنکه منقولست از رافع غلام عا
یشه که گفت بودم پسر خورد سالی که خدمت میکردم عایشه را
وقتی که حضرت رسول صلی الله علیه و آله نزدیک او بود و من
بجهت داد و ستد اسباب و ما یحتاج خدمت ایشان بودم پس
روزی حضرت رسالت پناهی در خانه عایشه بود که ناگاه
شخصی در خانه را کوفت پس بیرون رفتم بجانب در خانه
دیدم کنیزکی بود با او طبقی بود سر پوشیده بود پس رجوع کردم
بجانب عایشه و خبر دادم او را و از حال کنیزک گفت بگو در آید
در خانه پس در آمد و گذاشت آن طبق را پیش دست پیغمبر
آنگه پیغمبر برداشت از میوه آن طبق و میل فرمود و بیرون
رفت کنیزک آنگاه فرمود پیغمبر که آرزو دارم که امیر المؤمنین
و سرور حسنین و شفعای ثقلین بخورد با من ازین میوه پس
عایشه گفت که گفت امیر مومنان سرور اوصیا و پیشوای

شقیقان بعد از آن سخن حضرت ساکت شده وجواب نفرموده دیگر
باره اعاده همین سخن فرموده اظهار همان آرزو نموده دیگر باز
عایشه بعینه همان قسم سؤال کرد که پیشتر سؤال نموده بود باز
انحضرت خاموش شدند پس آمد ... ینده و در بکوفت بیرون رفتم
بجانب در خانه دیدم که علی بن ابیطالب است ع فرمود که داخل
کن او را پس داخل شد انگاه پیغمبر باو فرمودند مرحبا و اهلا بتحقیق
که آرزو کردم دو مرتبه تا انکه اگر دیر میکردی درخواست میکردم
از خدا تعالی که بیاورد از نزد من بنشین بخور از این طعام پس
بنشست انحضرت وخورد از آن طعام با حضرت رسالت ص
بعد از آن پیغمبر فرمود که هر که قتل کند ترا الله تعالی آنکس را
قتل کند و دشمن دارد هر که با تو دشمنی کند بعد از آن عایشه
پرسید که چه کس با او مقاتله نماید و چه کس با او دشمنی ورزد
حضرت رسول ص فرمودند که تو و هر که با تو باشد بر زمره
ارباب فهم و ذکا سیما اصحاب صدق وصفا مخفی نیست
که از تجاهل وتغافل اهل کینه باوجود ذکر پیغمبر انحضرت

سفینه ... سبب ... که ... ابیطالب ...



رحیم رلت

رفیع منزلت علیه السلام بصفات مشهوره امام مومنین و مولای
مسلمین و نظایر آن کمال نفاق و تعصب و شقاق ظاهر نمود
و هم‌نابرانظهار کرمت آنحضرت عداوت ایشان زیاده در اشتعال
نایره غضب آزحمت عالمیان اشتغال یافته لعن ابدی آن
سلطان ولایت مکان فرمود و چون دویم مرتبه نیز سوال
آن از اعدا و مقاتلان آنحضرت بیشتر مصرح عداوت خفیه
بود بیشتر از اول سبب اعراض خاطر فیاض آنحضرت و خصوصا
بکمال عداوت گشته از این سبب تخصیص عداوت و مقاتله
بآن و اعوان وی نموده و او با وجود استماع این کلام معجز
نظام در هنگام خروج بسوی بصره سخنان آنحضرت
صلی الله علیه و آله را کأن لم یسمع انگاشته خود را مورد
سخط الهی ساخته الحدیث الثامن و الثلثون عن عبد الله
بن مسعود قال سمعت رسول الله یقول ان للشمس وجهین
فوجه یضیئ لاهل الارض و علی الوجهین منهما

كتابة ثم قال اتدرون ما تلك الكتابة قلت الله
ورسوله اعلم قال الكتابة التي تلي اهل
السماء الله نور السموات واما الكتابة التي
تلي اهل الارض علي عليه السلام نور الارضين
ترجمه حدیث سی هشتم که محمد بن یوسف شافعی در کفایت الطالب
نقل نموده از عبد الله بن مسعود که گفت شنیدم از جناب
مقدس رسول صلی الله علیه و آله که میفرمودند از برای آفتاب
دو طرف است یک طرف او روشنی میدهد اهل آسمانها را
و یک روی دیگر او روشنی میدهد برای سکان زمین که اهل
زمین بسبب آن روشنائی تحصیل مینمایند ما یحتاج
خود را از معرفت و غفران بهره‌ور و روی آفتاب بقلم
قدرت نوشته است بعد از آن فرمود آیا میدانید شما
که چه چیز است آن نوشته گفتم که الله عز و جل و پیغمبر او
بهتر میدانند پس فرمود حضرت رسول که آن نوشته
که در طرف اهل آسمانهاست الله نور السموات والارض

نوشته شده و اما آن نوشته که در پهلوی ساکنین زینت
علی نور الارضین مرقوم گشته بر مقتبس مشکوة ولایت و هم آن
چون آفتاب روشن تر است که نیر آسمان عنایت و خورشید فلک
هدایت یعنی سلطان والاشان والی ولایت جهان صلوات الله
از جمیع درجه احترام در بارگاه احدیت از آن مرتبه فزون و
کوکبه اعزاز و احتشام بر درگاه صمدیت از آن دایره بیرون است که
اگر بر خورشید حکم نماید از خط فرمان تواند کشید و اگر بر گردون
امر نماید تواند کرد نا فرمانی قال الله تعالی نور علی نور یهدی
الله لنوره من یشاء و یضرب الله الامثال للناس والله بکل
شیء علیم الحدیث التاسع و الثلثون یروی عن ابی ذر قال
نظر النبی الی علی بن ابی طالب فقال هذا خیر الاولین والاخرین
من اهل السموات والارضین هذا سید الصدیقین
و سید الوصیین و امام المتقین و قائد الغر المحجلین اذا
کان یوم القیمة جاء علی بن ابی طالب راکبا علی ناقة من
نوق الجنة یضیء اهل القیمة من ضوئها و علی راسه تاج

مرصع بالزبرجد والياقوت فيقول الملائكة هذا ملك مقرب
ويقول النبيون هذا نبي مرسل فينادي منادٍ من بطنان
العرش هذا الصديق الاكبر هذا وصي حبيب الله هذا علي
بن ابي طالب فيقف على متن جهنم فيخرج منها من يحبه ويدخل فيها
من يبغضه ويأتي على ابواب الجنة فيدخل اولياءه في الجنة بغير حساب
ترجمه حديث سي ونهم اكرم روايتست از ابي ذر غفاري رضي الله عنه
كه گفت نظر كرد حضرت رسول صلعم بجانب امير المومنين ع پس گفت
كه اين بهترين اولين و آخرين است از اهل آسمانها و زمينها اين
سرور رستگاران و رهبر گويان و سرور اوصياست و پيشواي
متقيان و پرهيزگاران است روزيكه ظاهر شود قيامت بيايد علي بن
ابيطالب عليه السلام سوار بر ناقه از ناقهاي بهشت تحقيق كه روشن
شود عرصه قيامت از روشني آن ناقه و بوده باشد بر سر آن
حضرت تاجي كه مرصع كرده باشند آن تاج را از زبرجد و ياقوت
پس ملائكه گويند كه اين ملك مقربست و پيغمبران گويند اين
پيغمبر مرسل است پس منادي ندا كند از درون عرش كه اين


صديق

صدیق اکبر ہست واین وصی حبیب خداست این علی بن ابیطالب
پس باشد بر قطعه زمین بلندی از جهنم پس بیرون آورد هر کرا
که دوست دارد وی را و داخل میکند در جهنم هر کسی را که دشمن
وی بوده باشد در بهشت باشد پس داخل کند دوستان
خود را بی ارتکاب حساب و این بشارت عظیم محبان آنحضرت را
اشارت هست بلطف عمیم خداوند کریم انه هو الغفور الرحیم

الحدیث الاربعین نقل عن مشکوة روی عن ابن عباس
قال قال رسول الله صلی الله علیه وآله وسلم لو ان الغیاض
اقلام والبحر مداد والجن حساب والانس کتاب لما
یحصی فضائل علی بن ابی طالب علیه الصلوة والسلام
ترجمه حدیث چهلم هست که در نزل ابرار روایت کرده شده
واز ابن عباس که گفت رسول خدا که اگر بدرستی و تحقیق بیشهها
همه قلمها باشند و جمیع دریاها سیاهی همه افراد جن حساب کنند
و جمله افراد بنی آدم نویسنده گردند هر آینه نتوانند شمرد فضایل
علی بن ابیطالب علیه السلام را بر عارف آگاه و عالم بخصایص

او امر و نواهی حضرت آلهی بی اشتباه این معنی کالشمس فی وسط
السماء ظاهر و هویداست که آن عالم الامکان را از فیض مشاهی
و توجهات حضرت پادشاهی اتصاف بصفات آلهی سوای الوهیت
حاصل بود چنانچه در بعضی خطب بلسان صدق بیان خود ادا
فرموده اند و شاهد این دعوی عموم علم آنحضرت است بجمیع کتب
سماوی و علوم انبیاء سابق و لاحق و سایر اسرار خلایق
چنانچه حضرت کریم در قرآن کریم وی را بدین کلام ستوده
که انه فی ام الکتاب لدینا لعلی حکیم یعنی بتحقیق که علی بن ابیطالب
علیه السلام در قرآن نزد ما هر آینه مسمی بعلی حکیم است و حضرت
رسول صلی الله علیه و آله بمفتاح انا مدینة العلم و علی بابها
در گنجینهٔ این راز گشوده و آن گنجور خزاین اسرار خود در خطبة
البیان چنین بیان میفرماید که انا الذی عندی مفاتح الغیب
لا یعلمها بعد محمد غیری و انا بکل شیء علیم
یعنی من آنکسم که نزد من است کلیدهای خزاین غیب نمیداند
آن گنجهای علوم غیب را بعد از محمد غیر از من هیچکس و من بهر چیز


دانا

دانا و شناسایم و بعد ازین بر بین تبیان در بیان افزود
که انا الذی عنده علم الکتاب ما کان و ما یکون عندی م
یعنی منم آنکسی که نزد منست علم هر کتاب آنچه در ازل بود
و آنچه تا ابد بوده باشد و از نصوص کلام نبوی ظاهر است
که آن سلطان اولیا بجمیع صفات جمله انبیاء اولوالعزم
آراسته چنانکه فرموده من اراد ان ینظر الی آدم فی علمه و الی
نوح فی تقویه و الی ابرهیم فی حلمه و الی موسی فی هیبته
و الی عیسی فی عبادته فلینظر الی علی ابن ابی طالب علیه السلام
یعنی هر که خواهد ببیند آدم صفی الله را در نیکو کاری وی و
بسوی نوح نجی و پرهیزکاری وی بسوی ابراهیم و بردباری
وی بسوی موسی کلیم الله و هیبت وی بسوی عیسی روح الله
و عبادت وی پس باید نظر کند بجانب علی بن ابیطالب علیه
السلام حاصل کلام آنکه جمیع این صفات کامله که هر یک از
این انبیاء کرام علیه و علیهم السلام در یکی از آن صفات
نسبت بماسوی خود امتیاز و شرف بالاکلام داشته اند

آن طفل جامع جمیع انهارا بتمام و کمال بروجه کمال داشته
و در هر یک از آنها علم قدرت و استیلا افراشته و در
بعضی از کلمات قدسیه صحیحه تصریح یافته که انبیاء سلف را
در مسالک اتحاد و مفاوضهٔ تمام واقع بوده چنانچه آن کلام
انتظام ناطق بلسان صادق خود بیان فرموده آنا
مؤنس یوسف الصدیق فی الجب و فی مخرجه انا صاحب
موسی و خضر و معلمهما یعنی منم مونس و همدم یوسف صدیق
در چاه و بیرون ورنده وی از آنجا منم هم صحبت موسی
و خضر و تعلیم دهندهٔ ایشان و بنا بر مضمون روایت از
مسلم باسناد متصله از رسول قصه که گفت چون موسی
کلیم علی نبینا و علیه التحیة و التسلیم در رفاقت خضر نبی
مفارقت نمود باز در خود هر چون آن عجایب حالات و
غرایب مشاهدات نمود فرمود که اعجب غرایب بعد از
قتل آن طفل و غرق کشتی و بناء جدار آن بود که من و خضر بر
کنار دریا دیدیم که مرغی در غایت هیبت از هوا فرود آمده


و یکقطره

دیکقطره آب منقار برداشت وبسوی مشرق ریخت وقطره دیگر
برداشت وبجانب مغرب ریخت وقطره دیگر برداشت وبآسمان
انداخت وقطره برداشت وبردریا ریخت وبعد از آن پرواز کرده
از نظر غایب شد در تعجب وتحیر از این امر فرو مانده بودم
که ناگاه فرشته از عالم بالا نازل گشت ومرا از این سر خفی آگاهی
داد وگفت که چون از تعلیم تو خضر نبی را نخجی حاصل گشت در خاطر
خود معنی گذرانیده حضرت علام الغیوب جل جلاله تصورتی
که خود مشاهده نمودی تنبیه بدین معنی نمود که علم خضر وجمله
دانایان از ابتدای خلقت عالم تا منتهای زمان دنیا بقدرت
آن خدائی که آسمان وزمین ومشرق ومغرب ودریاها وجمله
جهات وجمیع موجودات را آفریده در جنب علم وصی پیغمبر آخر
الزمان چنان باشد که نسبت این قطره با بدریا والحضاء
در بعضی از روایات واحادیث مشتمل بر قدر محبت
آنحضرت واولاد رفیع الشان ایشان علیهم السلام ومرتبه محبان ایشان مع
ومداحان ومنزلت شیعیان ایشان علیهم الرحمة والرضوان



مسهود

مشهود ضمیر فیض پذیر ارباب اولو الالباب کرد لب لباب از فروغ آن
و مطلع انوار دانش و بینش اند میگویند که شمع محبت آن
سلطان ولایت و اولاد رفیع منزلت او علیهم السلام محبت
گرمی قلب اصحاب قلوب را در بوتهٔ اخلاص از غل و غش خالص
گردانده و رهنمائی که سرگشتگان بوادی طلب را بوادی مطلوب
و کعبهٔ مقصود رسانده و قصد از اعدای آن محبت کیشان و
اقتصار بر طرق تقوی بدیشان وسیلهٔ وصول بنعیم نعیم
خیانت و عداوت با شیعیان و محبان ایشان مانند محبت
با دشمنان ایشان وسیلهٔ الم الیم نیران میگردد که ان للمتقین
عند ربهم جنات النعیم افنجعل المسلمین کالمجرمین ما لکم کیف تحکمون
و در حدیث منصوص گشت که شیعیان با وجود اشتغال
بمعصیت فائز ببهشت و فارغ از نیرانند و دشمنان با عدم
اختلال در طاعت مخصوص نیران و محروم از روضهٔ رضوان
پس بنا بر این قول محبان ایشان بیرون از جادهٔ
عرفانست بلکه عاری از کسوت ایمان لا یستوی اصحاب

هذا حدیث الکساء
بسم الله الرحمن الرحیم
بسند عن الصدیقة الطاهرة
فاطمة الزهراء بنت رسول الله صلی الله علیها
قالت دخل علیّ ابی رسول الله
صلی الله علیه و آله فی بعض الایام
فقال السلام علیک یا فاطمة فقلت علیک السلام
قال انی اجد فی بدنی ضعفا
فقلت له اعیذک بالله یا ابتاه من الضعف
فقال یا فاطمة ایتینی بالکساء
الیمانی فغطینی به فأتیته
بالکساء الیمانی فغطیته به وصرت
انظر

النار و اصحاب الجنة اصحاب الجنة هم الفائزون

و هر که نور محبت آنحضرت بر دل او پرتو اندازد ظلمت جرائم
و ذنوب وی را بالکلیه محو سازد چنانچه حضرت رسول امین
صلوات الله علیه و آله المعصومین فرموده یعنی محبت علی بن
ابیطالب میخورد و محو میسازد همه گناهان را همچنانکه میخورد
و فانی میگرداند آتش همه را و نیز شرف ثانی از این عام تر در کلام
آن مقتدای جن و بشر مشهور و در کتب اهل حق مسطور است

که حب علی یاکل الذنوب کما یاکل النار الحطب

یعنی اگر اجماع و اتفاق کردندی همه
افراد بنی آدم در دوستی علی بن ابیطالب هرآینه البته
نیافریدی خدای تعالی دوزخ را و در کتاب شیعه و سنی مسطور است
که انبیاء عظام در حین اضطرار از عقبات نتیجه قبول دعوات
باسم سامی آنحضرت و حضرت رسول و اهلبیت عصمت او
علیهم السلام توسل نموده اند چنانچه ابن عباس روایت
نموده که گفت سئل النبی صلی الله علیه و آله عن الکلمات

الآية فتلقى آدم من ربه کلمات فتاب علیه قال سئله بحق محمد و علی و فاطمة والحسن والحسین علیهم السلام یعنی شخصی از پیغمبر صلعم سؤال کرد از کلماتی که فرا گرفت آدم علی نبینا و علیه السلام از پروردگار خود و بوسیلهٔ آن کلمات توبهٔ وی مقبول گشت چنانکه قرآن مجید بدان ناطق است فتلقی آدم من ربه کلمات فتاب علیه پس آنحضرت صلعم فرمود که آن کلمات این بود که آدم از جناب مقدس الهی تعلیم گرفت و آن را وسیلهٔ قبول توبهٔ خود نموده گفت که بار خدایا بحق محمد صلعم و علی و فاطمه والحسن والحسین صلوات الله علیهم اجمعین که توبهٔ مرا قبول کن و تقصیرات مرا ببخش پس توبهٔ وی بوسیلهٔ این اسامی جلیله مقبول درگاه پادشاهی شده همین یک نکته که در کتابهای مخالفان مرقوم است آگاه و عارف میکرد که مرتبهٔ قبول و عظم شان ایشان در چه درجه است و همچنین از آنحضرت در ذکر شان امیر المؤمنین و عترت طیبین او صلوات الله علیهم اجمعین و خسارت اعدای ایشان منقول در

ثم الکتاب فیما یتعلق بالامامة والسلام علی اهل الکساء والسلام علیک یا ابا الحسن ثم الکتاب سیدی علیک یا ابا عبد الله الحسین علیه السلام قال الاذن الان ان قابیل ادرکه [illegible]

صحیح نبوی مسطور است که حضرت رسالت پناهی خطاب با
سلمه نموده در حق آنحضرت فرموده اند هذا اخی لحمه من لحمی
ودمه من دمی وعلمه علمی وهو یحیی سنتی یقاتل الناکثین
والقاسطین والمارقین من بعدی فاسمعی واشهدی
یا ام سلمة لو ان رجلا عبد الله الف عام ثم لقیه وهو
یبغض علیا والائمة من ذریته اکبه الله علی منخریه فی النار
یعنی علی برادر منست و گوشت او از گوشت منست وخون او
از خون منست و او محل علم منست و او احیا کننده سنت
منست بقتل میاورد بیعت شکنان وظالمان و از دین
روندگان را بعد از من بشنو و گواه باش ای ام سلمه اگر
بتحقیق مردی عبادت کند الله تعالی را هزار سال پس بمیرد
وحال آنکه دشمن دارد علی بن ابیطالب را و فرزندان
وی یعنی یازده امام مظلوم از نسل او خدا تعالی آن
کس را سرنگون در آتش جهنم اندازد و امثال این احادیث
نفیس بسیار از کتب اهل سنت بجهة الزام ایشان جمع نموده

نهایت چون این مختصر گنجایش ایراد جمیع آن احادیث
ندارد و باعتبار غربت و اختلال احوال فرصت استقصای
مجموع آنها و ترجمه و بیان آن کلام معجز نظام نداشت لابد
مقتضای مقام بترجمه چهل حدیث در مناقب آن سید انام
اتمام نموده و حدیث دیگر در ذکر سعادت و علو شان
محبان و منقبت خوانان آنحضرت و بیان شقاوت و سوء
عاقبت دشمنان ایشان مینماید اگرچه در این باب نیز احادیث
بیشمار است اما آنچه اول دلایل و شواهد گفتار است بر سبیل
اختصار مذکور میسازد **الحدیث الاول** روی
عن جعفر بن محمد الصادق علیه السلام انه قال قال رسول
الله صلی الله علیه و آله ان الله تعالی جعل لاخی علی
فضایل لا یحصی کثرة فمن ذکر فضیلة من فضائله مقرا
بها غفر الله له ما تقدم من ذنوبه و من کتب فضیلة
من فضائله لم تزل الملئکة تستغفرون ما بقی
لتلک الکتاب رسم و من استمع الی فضیلة

عنه قال انا ابو الحسن علی بن ابی طالب
فقال السلام علیک یا ابن رسول
الله فقال علیک السلام فقال
انه فضلک [illegible] علیک السلام [illegible]
لا [illegible] رسول الله [illegible]
انی [illegible] علیک [illegible]
[illegible] فقال السلام علیک
فاقبل [illegible] انا [illegible]
یا رسول الله انا [illegible]
[illegible] الکتاب فقال [illegible]
اذن [illegible] [illegible]


من

من فضائل علي بن ابي طالب عليه السلام غفر الله

له الذنوب التي اكتسبها بالسمع ومن نظر

الى فضيلة من فضائله غفر الله له الذنوب

التي اكتسبها بالنظر ثم قال صلى الله عليه وآله

النظر الى علي بن ابي طالب عليه السلام عبادة ولا

يقبل الله ايمان عبد الا بولايته والبرائة من اعدائه

ترجمه حديث اول يعني روايت شده از امام بحق ناطق جعفر

ابن محمد الصادق عليهما السلام كه آنحضرت فرمودند كه تحقيق

كه خداوند عالميان كرامت كرده برادر من علي بن ابيطالب را

فضايل و صفات عظيمه كه شمرده نمى توانند شد آنها به

اعتبار كمال كثرت پس هر كه ذكر كند فضيلتي از فضايل

وي را در حالتي مقر باشد آن فضيلت بيامرزد حق تعالى

جميع گناهان وي را و هر كه بنويسد فضيلتي از فضايل علي بن

ابيطالب را هميشه فرشتگان طلب رحمت و آمرزش

فاطمة فقال السلام عليك
يا ابنتاه فقالت وعليك السلام يا رسول الله
أأدخل معكم تحت
الكساء قال نعم وقد أذنت لك
فدخل معهم فلما
اكتملنا جميعا تحت الكساء قال الله
عز وجل يا ملائكتي ويا سكان
سماواتي اني ما خلقت سماء
مبنية ولا ارضا مدحية
ولا قمرا منيرا ولا شمسا
مضيئة ولا فلكا يدور ولا
بحرا يجري ولا فلكا يسري
الا في

می کنند از الله تعالی برای وی و زایل نمیشوند آن ملائکه و طلب
آمرزش می کنند از الله تعالی برای وی و زایل نمیشوند
ما دامیکه نوشته باقی باشد و هر که گوش نهد بفضیلتی
از فضایل امیر المؤمنین علی ع که مذکور و خوانده شود
نزد وی بیامرزد خدای تعالی جمیع گناهان آنکس که از رهگذر
گوش کرده باشد و هر که نظر کند بفضیلتی از فضایل
امیر المؤمنین علی ع که مذکور و خوانده شود نزد وی بیامرزد
خدای تعالی همه گناهان آنکس را که بوسیله چشم حاصل شود
باشد و بعد از آن حضرت امام جعفر صادق ع فرمودند که
نظر کردن بجانب علی بن ابیطالب علیه السلام
عبادت است و قبول نمیکند خدای تعالی ایمان هیچ
بنده را مگر بدوستی امیر المؤمنین و بیزاری از اعدای او
والحمد لله علی ولایته واللعنة علی من اعدائه نظم

فردا که خطاها بمحشر بخشند | از رحمت داد همه بخشند
جرمی که بچشم و گوش حاصل کردیم | از گفت و شنید فضل حیدر بخشند

اللهم اجعل خاتمة امورنا خیراً بحق محمد و آله الطیبین ع
التمس الدعاء العبد المذنب
۱۳۰۳

[illegible] فقال [illegible]

العلي الاعلى يقرئك السلام ويخصك بالتحية والاكرام ويقول
لك وعزتي وجلالي اني ما خلقت سماء مبنية ولا ارضا مدحية
ولا قمرا منيرا ولا شمسا مضيئة ولا بحرا يجري ولا فلكا يدور ولا
فلكا يسري الا لاجلكم وقد اذن لي ان ادخل معكم تحت (هذا) الكساء
فهل تاذن لي ان ادخل معكم فقال قد اذنت لك فدخل جبرئيل
معهم تحت الكسا وقال لهم ان الله عز وجل قد اوحى اليكم يقول انما
يريد الله ليذهب عنكم الرجس اهل البيت ويطهركم تطهيرا فقال
علي بن ابي طالب يا رسول الله ما لجلوسنا تحت (هذا) هذا الكسا من الفضل
عند الله تعالى فقال النبي والذي بعثني بالحق نبيا واصطفاني
بالرسالة نجيا ما ذكر خبرنا هذا في محفل من محافل (اهل) الارض
وفيه جمع من شيعتنا ومحبينا الا ونزلت عليهم الرحمة وحفت
بهم الملائكة واستغفرت لهم الى ان يتفرقوا فقال علي عليه السلام
اذا والله فزنا وفاز شيعتنا ورب الكعبة فقال رسول
الله ص والذي بعثني بالحق نبيا واصطفاني بالرسالة نجيا
ما ذكر خبرنا هذا في محفل من محافل اهل الارض وفيه جمع من

شيعتنا وفيهم مهموم الا
وفرج الله همه ولا مغموم
وكشف الله غمه ولا طالب
حاجة الا وقضى الله حاجته
فقال علي عليه السلام اذا
والله فزنا وسعدنا و
كذلك شيعتنا فازوا
وسعدوا في الدنيا والآخرة
[illegible]

تم الكتاب


قال الله تبارك وتعالى لا إله إلا الله حصني فمن دخل حصني أمن من عذابي